



کارگران جهان متحد شوید!

رزمندگان

ارکان سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر

سال اول شماره ۱۰ - دوشنبه ۱۵ اردیبهشت ۵۹ - ۲۵ ربیع

((کمونیست‌ها هرگز به مردم دروغ نمی‌گویند.
کمونیست‌ها هرگز به صاحبان قدرت تکیه نمی‌کنند.
کمونیست‌ها فقط به قدرت طبقه کارگر و سایر
زحمتکشان و روشنفکران انقلابی متکی هستند.))
(ولادیمیر ایلیچ لنین)

چه کسانی بنفع
امپریالیسم
عمل می‌کنند؟

کمونیست‌ها یا هیأت حاکمه؟

این روزها همه جا صحبت از نجات و نجات می‌آمریکا به ایران، ساختن پایگاه در اطراف طیس، نیانده کردن کما ندوها و نجات می‌آمریکا می درخشان و در فردوگاه مهرآباد تهران است. اخبار و افیاض بیانگر بسیاری چیزها هستند. چند هواپیماهای غول پیکر آمریکا بی و هلی کوپتر در منطقه‌ای نزدیک طیس فروخته شدند و نیروهای خود را پیدا کردند. منطقه فیلاً تسطیح شده بود. یعنی بدون هیچ درستی نده بود که هواپیماهای آمریکا بی بنوا نندراجت فرو بردند. این واقعیت از تصادف هلی کوپترها (با هر چیز دیگری) توسط آسوشیته پریس و سخنگوی کاخ سفید و شکنج اعلام میشود. آنکه مردم ایران و دولت می‌فهمند که آمریکا آنها عملیاتی در ایران انجام داده اند.

لافا طه بجای یاریدار هلی کوپترهای سالنم، با فیری فرمانده نیروی هوایی دستور میدهد هلی کوپترها بمباران شود. و این کار را آنچنان عجلانه انجام میدهد که با داری کدورت دیگری هلی کوپترکپانی میدهد. کند میشود. پس معلوم میشود

شعبه فرهنگ: ۲

گردشستان و بیانیه‌های ارتش

شیرهای گردسان مورد هجوم وحشیانه ارتش و سادان - ران قرار گرفته است. شیرخ و مخصوص سنج محاوره اند. توب و تانک جمپوری اسلامی بدکوبیدن خانه‌های مردم مشغول شده اند. فاستو- میای آمریکا بی بدیماران شهرها مشغول شده اند. ارتش جمپوری اسلامی ایران بفرماندهی نادمیرها و فلاخی‌ها، به بیانیه دفاع از مرزها پداشغال شیرهای گردشستان برداخته و به پانده برکویی و نجات ارتش عراق به کنترا خلق قهرمان کرد گمربسته است. زحمتکشان گردسان که بنا به شرایط مبارزه در کردستان زودتر ارتشهای دیگر

به ماحبت ارتش بی برده اند، سشرا ارتشهای دیگر نیز به مقاومت در برابر آن بردا - حنه اند. حتی اخبار سانسور شده و سانسورهای مکرر ارتش را بی امرکواهی می‌دهند. لیکن آنکه در اینجا اهمیت دارد درک دقیق اوضاع ایران و گردسان و جایگاه مبارزه جاری خلق کرد در مبارزه عمومی می خلق ایران می‌باشد. دولت جمپوری اسلامی کوس زبانی بحرج داده است که او می‌داند در گردسان اس خلق کرد نیست که مبارزه می‌کند. خلاصی جلاد که مورد سقر عمیق خلق کرد است

شعبه فرهنگ: ۱۳

نقدی بر قطعنامه راهپیمایی "فدائیان خلق"

تعیین و تأیید سیاست‌های مترقیانه در سیاست عمومی هیئت حاکمه بوده است. جناح های مورد علاقه فدائیان در درون قدرت حاکم ثابت نبوده و هرگاه دست آشتی و مسالمت رفتار را نمی‌پذیرفته است جای را "جناح مترقی" فدا میرالیست "دیگری می- گرفته است. نوع برخورد آنها به هیئت حاکمه آنچنان بوده است که همواره ما هیئت آنرا مغدوس کرده و مرز و ستبان و دشمنان خلق، مرز انقلاب و فدا انقلاب را تا درون هیئت حاکمه گسترش داده است و طبعی است که تا شری عملی آن برآوردهای سازمانی و هوادارها "پایگاه توده‌ای" سازمان شتت و سرگردانی در اشکال و شیوه‌های مبارزه است. بقیه در صفحه ۵

سخنی با هواداران!

ایجاد فطیهای ایدئولوژیک - تشکیلاتی مستلزم تلاشهای دوجانبه‌ای هم از سوی سازمانهای بزرگ جنبش کمونیستی و هم از سوی افراد محافظه سیاسی هوادار این سازمانها - سیاست از یکطرف و رهبران سازمانهای بزرگ -

وحدت جنبش کمونیستی در درجه اول مستلزم وحدت اندو- لوریک است. در این مرحله از جنبش کمونیستی، این وحدت از طریق مبارزه اندو- نوزیک بین فطیهای اندونو- رنگ - سکیلائی که در سطح کل می‌کند می‌شود.

در صفحات دیگر میخوانید:

- * - پیام "سازمان" به مناسبت سالگرد شهادت رزمندگان.
- * - موقع شناسی هیئت حاکمه
- * - بمباران هلی کوپتر حامل اسنادیا مبارزه فدا میرالیستی ارتش اسلامی
- * - اطلاعیه‌های پیوستن یک بخش از "مبارزه آزادی خلق ایران" به "سازمان رزمندگان"
- * - خرد بورژوازی و انقلاب (۷)
- * - اخبار جنبش
- * - اطلاعیه‌های سازمان در مورد تجاوز آمریکا و بمب کذاریها
- * - و.....

کارگران جهان متحد شوید!

سرمقاله ...

که در زمانی که هلی کوپترها و هواپیماهای آمریکایی در طیس بودند، یک هواپیما برآزرنجدر مهرآباد قزوین آمده است و بعد که عملیات نا موفق بوده گریخته است و حتی بگفته، حجت الاسلام هادی خسروا، نقل و انتقالات نظامی در منظره که قرار بوده است اشغال شود صورت میگیرد.

این واقعه تنها از سیاست تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا در ایران پرده برسر داشت، بلکه حقایق بسیاری را در مورد حکومت کنونی نیز افشاء نمود. ما این حقایق را در اینجا بازگو میکنیم.

فلاحی، فرمانده نیروهای زمینی اعلام کرد که: «اولاً امر یکایی ها همه نقاط کشور را در راهی ما را میداند و ثانیاً ما در آن موقع (یعنی موقعی که امپریالیسم آمریکا در حال پیاپی کردن نیرو در طیس بود) در غرب کشور مشغول سرکوب ضدانقلاب بودیم. بنی صدر نیز اعلام میکند: «این جریان جزیی از یک توطئه است که دنیا لسه آن در گردستان است اما اگر حکومت اینگونه سعی در پوشاندن واقعیت جریان دارد، خود واقعیت دست حکومت و عوامل آنرا بخوبی رو کرده است. نگاهی به وقایع قبل از قزوین و هواپیماهای آمریکایی بیاندازیم:

به ابتکار حزب جمهوری اسلامی ایران و شورای انقلاب و با تأکید کل هیات حاکمه آنها جموئیت علیه دانشگاهها آغاز میشود، مزدوران و فلاحی نژا به خیابانها میریزند. همه جا با قهقهه و جملات نیروهای انقلابی حمله ور میشوند. بنی صدر مردم را به دانشگاه میکشاند تا کار دانشجویان انقلابی را یکسر کند و بهانه انقلاب فرهنگی چنان توده های مردم را به مقابله با انقلابیون میکشاند

و چنان پاسداران وفالانها را در کشتار آزاد میگذارد که ۱۶ هزار و ۱۳۳ نفر تحت الشاع قرا میگیرند: دولت اعلام میکند که در دانشگاهها عوامل آمریکا! میجنگد!

در همین حال ارتش نیروهای خود را از افغان تهران، خوزستان و هر جایی دیگر به گردستان گسیل میدارد. خلق کرد در محاصره تنگ ارتش قرار میگیرد. هلی کوپترها و فالتومهای آمریکایی، بمباران شهرهای گردستان به خصوص سنندج را آغاز میکنند و راه دیو و تلویزیون اعلام میکنند: که در گردستان با عوامل آمریکا! و آمریکایی ها میجنگند! چه در دانشگاه و چه در گردستان حکومت ضد انقلابی پیشقدم حمله به خلق و نیروهای انقلابی است.

تبلیغ علیه نیروهای انقلابی، بتغییب آنها، اشغال چاپخانه ها و محدود کردن امکانات انقلابیون همراه این جریانات به پیش میرود.

در همه موارد فوق، هیأت حاکمه کوشش وسیعی بخرج میدهد تا زیر نام مبارزه با امپریالیسم ارتش را انقلابی و به اصطلاح اسلامی بنمایاند. فلاحی میگوید: «ارتش از حمایت قاطبه مردم ایران برخوردار است. ارتش اسلامی است! حکومت همه قوای خود را به سرکوب مردم مشغول میکند. از یک طرف در همه جا به ایجاد اغتشاش و انحراف توجه تودها را میسایل اصلی انقلاب و مبارزه طبقاتی و از طرف دیگر به تقویت ارگانهای نظامی و سرکوب میپردازد. ارتشی که ساخته دست شاهان و آمریکا بود، و امثال فلاحی ها شاد مهربا، شاکرها، قهره ها با قری ها یعنی همه خادمین سابق شاه در آن هستند و قانون اطاعت کورکورانه بر آن حاکم است، آنگاه نه خود را تطهیر میکنند و هیأت حاکمه

نیز در این راه نهایت کمک را مینماید.

بنابراین کاملاً واضح است که عامل اصلی وقایع اخیر در گردستان دانشگاهها حکومت میباشد. این حکومت بود که تعرض به نیروهای انقلابی را آغاز کرد و نیروهای انقلابی و دانشجویان و خلق گردان زحمت داده خود، یعنی مقاومت یا مقابله در مقابل تعرض استغاده کردند. اوضاع مغشوش کنونی محصول عملکردهای هیأت حاکمه است. اینک رژیم تبلیغات وسیع در مورد رابطه داشتن جریان دانشگردستان و دانشگاهها تاجا و ز نظامی آمریکا برآه انداخته است. شکی نیست که چنین رابطه ای موجود بوده است. امپریالیسم آمریکا که انتظار داشت رژیم جدید ایران به سرعت نیروهای انقلابی توده بهیچان آمده از انقلاب را سرکوب کرده و همه چیز را بشکل سابق درآورد و اکنون از وسعت ابعاد جنبش توده ای و ناتوانی رژیم در سرکوب آن به تنگ آمده و سیاست تعرضی را پیش گرفته است. سمران وابسته ارتش و سرمایه داران وابسته و عمال و جاسوسان آمریکا در داخل و خارج نیز از هیچ تلاشی برای خدمت به آمریکا و وروی کارآوردن یک رژیم مدرصد و وابسته کوتاهی نمیکند. متقابلاً رژیم ایران که با بحران اقتصادی و جنبش توده ای نیرومند در روبروست تنها راه چاره را در سرکوب می بیند و با این کار خود عملاً به منافع آمریکا خدمت مینماید. واقعیات نشان میدهد که زمان تجاوز نظامی آمریکا با ایران بهیچ وجه تما دفی نبوده است. امپریالیسم آمریکا و مزدوران داخلی آن این موقع را کاملاً مناسب تشخیص داده بودند زیرا حکومت از یک طرف با سرکوب و خشونت و بیرحمی به خلق کرد (سرکوبی آنچنان سبک نه که تا بحال سابقه نداشته

است) و از طرف دیگر با حمله به دانشگاهها و مراکز علمی بهانه پوچ انقلاب فرهنگی آن جوش و ناامنی را که برای انجام چنین عملیاتی مناسب است با دست خود فراهم ساخته بود. بیه مایل دانشگاه و گردستان به تاجا و زحمتی آمریکا مربوطند ولی نه آنچنان که مترجمین خائن و سران رژیم میگویند. این نیروهای انقلابی و خلق کرد نیستند که در خدمت آمریکا بیدند بلکه این رژیم ضد انقلابی ایران است که عملاً با انجام چنین اعمالی منافع آمریکا کار میکند. حکومت که دست و دسته و ساواکیها را عفو میکنند و مقامات بالا را با آنها میبرد عملاً دست آنها را در انجام عملیات خائنانه ای مانند انفجار ریمب و کشتار مردم بی گناه باز میگذارد. تمام نیرو و انرژی سران رژیم بجای اینکه مبارزه با آمریکا را مد نظر داشته باشند (آنچنانکه خود بدروع میگویند) مصروف سرکوب نیروهای انقلابی و محدود کردن آزادیهای سیاسی میشود. رژیم نیروهای واقعی وابسته امپریالیسم را سرکوب و آزادیهای دموکراتیک را که لازم شرکت فعال توده ها در مبارزه ضد امپریالیستی هستند نابود مینماید و این بزرگترین خدمت با امپریالیسم است.

آمریکایی میکند حکومت مرکزی کنونی را از هر لحاظ وابسته نماید. اینکه حکومت کنونی در خدمت بازاری نظام سرمایه داری وابسته است، برای منافع آمریکا کافی نیست. امپریالیسم آمریکا خواهان وابستگی عمیق، همه جانبه و آشکار لحاظ اختلافات میان حکومت و امپریالیسم آمریکا، اختلافی نه بر سر سیاست سرمایه داری وابسته (حفظ و یا امانه

آن) بلکه بر نحوه و دامنه وابستگی به آمریکا است که در این گیرودار با مایل داخلی آمریکا نیز ترکیب شده است.

حکومتی که ادعای مبارزه با امپریالیسم را دارد، در واقع با اقدامات خود راه را برای نفوذ آن، عملکرد و گسترش عمل مستقیم آن در ایران آماده میکند. اینک برهنگان روشن شده است که ارتش ایران در تاجا و ز آمریکا هم دست آن بوده است و در عین حال معلوم شده که بمب های منفجر شده کار عوامل آمریکا و سرمایه داران وابسته و مزدوران اجیر شده بختیار بوده اند (گروه باسک خرمدین) رژیم بجای پرداختن به این مایل سعی میکند با من زدن به جوی نایمن و آشفته زنی ذهنی توده ها را آماده کند تا راحتتر بتوانند به سرکوب بپردازند (سو، استفاد از هراس توده ها) موقعیت کنونی بسیار خفراست با یدسی کرد از هرگونه تشنج و درگیری بیهوده پرهیز نمود. با ید روی نقش ارتش در این حمله تاکید داشت و سران ارتش را رسوا کرد، با ید نقیض سیاست حاکمه را رسوا، استفاد از اعمال آمریکا روشن نمود و در این شرایط با ید توطئه های آمریکا را که در شرف وقوع است برملا نمود (تیراندازی به سفارت و غیره) آمریکا در مد توطئه است و رژیم با اعمال خود عملاً بآن کمک مینماید با یدرو ی این مسئله تأکید کرد.

انقلابیون کمونیست نباید لحظه ای نقش ارتش را در اقدام اخیر آمریکا و نقش حکومت را در اینجا زمینه مناسب برای این امر ندیده بگیرند: تبلیغ و افشاء ماهیت کل دستگا های سرکوب و علی الخصوص ارتش یک امر اساسی است. همی

بقیه از صفحه ۱۹

سختی با.....

از طریق مبارزه با اگونومیسیم در سطح جنبش و در صفوف خود برنامۀ ایدئولوژیک سیاسی مشخصی برای ادامۀ فعالیت خود تدوین کنند و از طرف دیگر افراد و محافل سیاسی پراکنده موجود با یدبا غلبه بر روحیۀ محفلی و تنگ نظرانۀ به یکساز از قطبهای جنبش کمونیستی که با آن وحدت ایدئولوژیک بیشتری دارند پیوندند و فعالیت سیاسی خود را چه در زمینه عملی و چه در زمینه مبارزه ایدئولوژیک در رابطۀ با این قطبها و در درون آن ادامۀ دهند.

هما نظر که در "۱" طلایع بر ما چه گذشت "۲" مدها است، سازمان ما پس از یک بحران ایدئولوژیک - تشکیلاتی درونی بر نجات موفق شد برنامۀ ایدئولوژیک سیاسی مشخصی برای ادامۀ فعالیت خود تدوین کند که انتشار "رزمندگان" اولین انعکاس بیرونی این برنامۀ است. انتشار رفتگی این نشریه علاوه بر وظیفه دفاع از خط ایدئولوژیک - سیاسی سازمان در سطح جنبش، در عین حال نقش آموزشی و سازماندهی مهمی برای افراد و محافل سیاسی هوادار دارد. تلاش ما اینست که خط ایدئولوژیک - سیاسی سازمان را به خط سرخی در تمامی مقالات و شماره های نشریه حفظ کنیم.

به اعتقاد ما تنها از این طریق است که میتوانیم به امروز جنبش کمونیستی و تشکیل سازمان سراسری طبقه کارگران خدمت کنیم. اما رفقا و محافل هوادار اینها بی از عهده ما ساخته نیست. انتشار "رزمندگان" بیسه خودی خود، وحدت ایدئولوژیک را بین سازمان و هوادار

را ن بوجود نخواهد آورد. و تأثیر چندانی روی مبارزات توده ها نخواهد گذاشت. هواداران نیز باید بنوبه خود بکوشند بیسن "رزمندگان" و مبسازات توده ها پیوند برقرار نمایند. ما در اینجا به یک سری وظایف مهم وجدی که در رابطۀ با انتشار نشریه، بعد از رفقای هوادار قرار میگیرد اشاره میکنیم و تدقیق این وظایف و تقسیم کار سازماندهی عملی آن را به بعد از رفقا میگذاریم.

۱) مسالۀ توزیع و فروش و مطالبه نشریه:

رفقا! از هر امکانی برای پخش و فروش نشریه استفاده کنید. سعی کنید نشریه به تمام دوستان و آشنایان برسد. سعی کنید نشریه را بیسن همکاران خود، در بین اعضاء و محافل سیاسی بدون خط و یا هواداران گروهها توزیع کرده و آنها را تشویق به مطالبه آن کنید. مشکل بسودن نشریه دلیل قانع کننده ای در محدودیت پخش نیست یک نشریه نباید حتماً تمام مقالانش برای خواننده قابل فهم باشد. درست است که این نشریه برای "کمونیست ها" و "پیشروان" منتشر میشود اما باید حوزه عملکرد آن گسترش بیشتری از مخاطب اصلی اش داشته باشد.

سعی کنید در سرعت و وقت نشریه را مطالبه کرده و بسا رفقای خود و هواداران سازمانهای دیگر روی مطالب آن بحث کنید.

با استفاده از تحلیل های سیاسی "سازمان" رهنمودهای خاصی برای عرصه های مختلف مبارزه طبقاتی که در پراستیک خود درگیر آن هستید بیرونی بکشید. مضمون مشخصی برای فعالیت های سیاسی خود

تعیین کنید. در هر شهر و روستایی که هستید اگر نشریه نمیرسد، هر طور که شده بسا نزدیکترین مرکز پخش نشریه تماس بگیرید و تعداد نشریه مورد نیاز خود را برای توزیع تا مین کنید.

اگر در شهری غیر از محل سکونت خود امکاناتی برای توزیع نشریه سراغ دارید سعی کنید این امکانات را در رابطۀ بطنه با خود سازماندهی کنید. ۲) تهیه خبر و گزارش، مقله و پیشنهادهای رگان رسمی "سازمان": اخبار و گزارشات باید مستند باشد. اگر بیه درستای خبر یا گزارش که مینویسید اطمینان کامل ندارید یا قید کلمه "شایعه" یا "نیمه موشق" میزان صحت و سقم آنرا مشخص کنید، خبرها و گزارش هایی که میفرستید حتماً تاریخ داشته باشند و محل وقوع خبر را نیز در برداشته باشد.

موضوع اخبار و گزارشات شامل تمام مسائل مربوط به مبارزه طبقاتی اقتصاری بر طبقه مردم در سطح کارخانه ها، مدارس و شهر و روستا است. تنها به کمک مجموعه این اخبار و گزارشات زنده زسرا - سرکش و اقشار طبقاتی مختلف است که ما میتوانیم در هر لحظه درک عینی از اوضاع سیاسی کشور و کم و کیف مبارزه طبقاتی و روحیه توده ها در دست داشته باشیم و تحلیل و رهنمودهای درست ارائه دهیم.

برای اینکه اخبار و گزارشات شما دقیق باشد باید حتماً المقدور مستقیماً در مبارزات مردم شرکت کنید. هر هوادار فعالی در واقع حکم شاخک حس ارگانیم تشکیلات را دارد و باید بعنوان یکسک خبرنگار و گزارشگر فعال مسائل را به مرکز سازمان

متعکس کند. تذکر یک مسالۀ در اینجا ضروری است. اگر مبارز اهمیت مسالۀ رگزارش و خبر برای مرکز سازمان تاکید میکنیم به این معنی نیست که وظیفه شما صرفاً خبرنگاری و گزارشگری است بلکه مهمتر از این شرکت فعال در متن مبارزه طبقاتی و تاثیرگذاری روی این مبارزات است. باید بطور فعال در اشکال مختلف مبارزات طبقاتی در محیط خود، در پرتو رهنمودهای "سازمان" شرکت کرده و بیه سهم خود مبارزه توده ها را هدایت کنید و با جریانات انحرافی و سازگارانه و با هر نیروی دیگری که سعی در انحراف یا سرکوب مبارزه توده ها دارد پیگیرانه مبارزه نماید. حتی در مواردی که "سازمان" رهنمود مشخص نداده است نباید دست روی دست بگذارید و منتظر رهنمود سیاسی یا ارتباط تشکیلاتی با سازمان نیامد، بلکه باید خلاقانه و مبتکرانه، در خط عمومی "سازمان" در ایس مبارزات شرکت کنید.

۳) هرگونه افشاگری، بریده جرایم، ترجمه مقالات و... راکه برای انتشار مفید میدانید و همچنین انتقادات و پیشنهادات خود را در مورد مقالات نشریه برای ما بفرستید.

۴) از آنجا که امکانات مالی سازمان برای انتشار نشریه و دیگر فعالیت های انتشاراتی و مبارزاتسی و گسترش دامنه فعالیت در سطح کشور، محدود است، لذا جمع آوری کمک مالی، از هواداران، چه بشکل منظم و ماهیانه و چه به چند وقت یکبار و از سایرین کمکها به سازمان نقش مهمی در ادامۀ کار

و گسترش فعالیت های سازمان دارد. این کمکها را بعنوان یک وظیفه انقلابی تلقی کنید. ۵) رفقای هوادار در شهر ستانها که ارتباط سیاسی تشکیلاتی با سازمان ندارند، با یستی با تشکیل هسته ها و تشکلهای هوادار، حول مضامین مبارزاتی که در منطقه خودشان وجود دارد، ر جهت تبلیغ و ترویج ایده های سازمان بکوشند. بیفرقت کار این رفقا و گسترش مکانات سازمان شرایط ایجاد ارتباط تشکیلاتی را فراهم میکنند. نباید منتظر سازمان ماند. هر هواداری موظف به پیدا کردن هواداران دیگر و تشکیل هسته ها و محافل متشکل تر میباشد

با امید پیروزی را همان دستان را میفشاریم.

بقیه از صفحه ۳۴
ظور، باید توده ها توضیح داد که این هیات حاکمه است که به انقلابیون تعرض میکند. این هیات حاکمه است که راه آمریکا را باز میگذارد. و این هیات حاکمه است که اقدامات آمریکا را در ایران به بهانه ای برای سرکوب انقلابیون تبدیل میکنند. باید توده ها متوجه شوند که این هیات حاکمه ضد انقلابی، در برابر امپریالیسم سرمایه دازد و امپریالیسم ها هستند که با اتکاء به نیروی لایزال خود میتوانند پوزۀ امپریالیسم را بر خاک بماند و سیستم موجود را نابود کنند.



بدون نابودی سرمایه داری وابسته خلق آزاد نمی شود.

بنابر مال ۱۷ رالالدحرس بنیازی تاریخ صیتی ماس، سیمسار
حوسیی اسدکدراردهای حملی ناخون دلبرترین فرزنداسرسلد
مکسدوباندهای فرسوت خوشبارترین دیگناوری تاریخ احزابیان
را فرو میسازد. بنابر ۷ دینا را هنزار درسی مازات بوده‌هاست کدسا
خون سروران خان برکشان گنگون سده بودواسارحاشان درآستان
اتلا حسی بوده‌ها آرا از دستي بدست دیگربرافراسدیکنداسند. و
بنابر ۱۷ دینا رفامب حماد آفرمردز سده کمونسی است کدسا عشق
بد آران طبفکار کرد در مقابل دژ حمان باواک استوار ایستادند و تگو:
مفامب خلق را با جان خوشی یاساری نمودند. آآن با آسان سده
توده‌ها. با عشق به سوبالیزم مبارزه کردند و در آخرین لحظات زندگی
خوشی در نکند کدهای دسب آموزان امربالیم مناق خود را سده
نیر ما اندرین نکل ممکی با خلق خود به انجام رساندند. آآن بر نور
ترین رزمندگان تاریخند. آآن با دکار آن رند ریحی هستند کد با ریح
طبقات تحسسم را به پیوند میدهد. آآن میروسان حوسیی هستند
"جودا را های" کدهوارده طبقات ستمگرو پیروک برای رفاه حوسیی
دادا سند.

تاریخ مبارزات طبقات با رنج پیدان در نمرسد و سپیدان را علی
ترین تحلی جوی خلق در روند بر لاطما رنج هستند، هر سپید در حاکم
آر و سپید در شد و میا سنا ب بوسه ها کمر جا معدا را دگه میسر ف نارنج
فرو با شی آ را طلب نموده پد ر آن آ ن دلبر بری و آکا د بری بر ریدان
خلق را بدینید: مبارز د طبقاتی میگوید: نارنج اخبار اوان گذار حسن
بورژوا - دیکراسک در آساند: انقلاب مروت و طب آغا و مسود و در ستری
ارواح و وجود های متعدد همچنان با محتوای سون ادا نموده: مبارز د
طبقاتی را بد آن مرحله ای رسانده است که در هری برولوا را سی را برای
سروری آن میجوید: از پیش یک انقلاب مروت و طب و حسن های دهقانی
و دموکراسیک با لینی بعد آن و مومنت نارنجی مسا سب نبولید سنا سد
دارن میا بد سنا را د لطیفی بگا مل سرورید و ستر و بگا مل غمسی
سوسا لرم سرورید هر و سپید برولوا را با رهبری ساسی - اندولوزیک
آن برای روسفکران انقلابی مطرح شده و سروری خلق ما را در مبارز د
طوائی بر علیه امپریالسم و با سکا د درونی آساند این رهبری واسند
نموده است: انقلابیون کمونسیت بر انا اس در یافت نارنجی غلی و غم
رنجی صف ثا که در درک از رابط محقق جامع ما داسند: آسمان سد
برولوا را و کلبه د حتمکسان سیاسی آن در بر د طبقات محاسم
سم کر ها ن برکت د: مبارزاتی سکو هم د خون خود را برای آسانی سنا ل
انقلاب سنا موجود است: جمعا بگوید: «سنا لدا حریعدا ز طپور سوسا لرم
علمی در بار رنج ترمیک ستری در سنا محسن های انقلابی در سنا رنجیان
سنا ر د رنج راه های کمونسیم بد سنا د خون انقلابیون کمونسیم
برولوا را همچنان میوان سنا را راه های سروری خلق اسوار ما سد
است: سنا لری را که امپریالسم نار ما سد دارن واسند خود د کور ما
فسفر خود د سوسا سنا رور را که د سوسا د بری سکل حاکم سرور و رابط
احمائی ما کرد سنا کور ما سکه ها و اعدا های آن انقلابیوی حرا د
بود که سنا نشو بد خلق برای آگاهی و آزادی آن سنا حرا سد سوسا سد: (۲۱)
ار د سنا سنا لکرد دکی اسنا ستر و اندو حرا بری لحاظ دیکتا بونی
سکسی است که ستر و سنا ۲۷ سال کمار و نارت و حرا سد را بر سنا رک
سند حرا سد: در آسمان سوسا امپریالسم حرای کدا سنا سد: (۲۲) در سنا سنا
سنا لکرد سنا سد در ر د کمونسیتی است که برای آزادی سنا کدا رکرار
ر د سنا سنا داری و اسنا در حرا ن آلد بری سنا ل مبارز د سنا
را سنا ر موجود و آکا د که خلق برای سنا دوی اس سنا ستر و آسد
سود در سنا لینی سنا و اک بر و حرا د بری سکه ها سنا سنا د سنا
سنا سنا: بجا ن حوس را سنا حرا را سنا د هم حرا سنا د سنا
همسک سنا د ر حرا سنا: ر د سنا سنا حرا د کالی سال ۵۲ حرا سنا سنا

[illegible]

ما را با قبول میکنند و به جیبش
میرود. ما همه را با سیاهی را که
میکشد به سیاه میسازد. سیاهی
برای و غیر برای است. سیاهی
خوب مردم بخیرند و سیاهی
و سیاهی را به حد سیاه
قسم کند و مردم را سیاه
دینی با هم که اندام محکوم
میکشیم و اس را سیاهی را
محدود بران خلق و در سیاه
در حد سیاهی را سیاهی
آمریکا میدانیم. "اگر (۱۵۲)
حزب نوده چه میگوید؟
بیانیم:
"حبه اخشی سرد، حبه
سرد را با امپریالیسم میگرد
کی امپریالیسم آمریکا است
نظم میگیری مائوزیست و
شماره برای همه نیروهای
راحتن افغانی، امپریالیست
لسم آمریکا است، هر کسی
هر سالهای هنر و موسیقی
شکلی از انکال، چه دانسته
و چه ندانسته، حبه میبرد
دیگری که اندام و سیاهی را
خواه تا تا خواسته، سیاهی
سی از نیروهای را سیاهی
افغانی را سیاهی میگرد
دیگری در میان دارد و دارد
حبه میبرد! سیاهی را بر سیاهی
انقلاب و سیود و انقلاب
و در دامن افغانی، امپریالیسم
حده که وعده را آمریکا تبعیت
کرده است" مردم ۲۱۶ صفحه ۱۱
این کتاب و دوبرنامه
ضد امپریالیستی آیا کویای
آن می راست روانه، سیاهی
ست از طبقاتی، آن ایو
رئونیسم نیست که در خط
ایدئولوژیک - سیاسی
از زمان شاپش میرو و جبر
از باتلانی میزد که بخشن
عظمی از جیبش سیاهی را
در خود فرو میبرد و دین میگوید
بد:
ما را کس از خلق میبیند
میگوید
عزت اسم که از دین میبیند

نابود باد سرمایه داری وابسته به امیر یا لیسیم

نقدی بر

بر علیه صورتی که در صورتی که
ای در باره "وحدت" است
و بعد از آن مبارزه طبقاتی
درون خلق مبارزه می شود
و رکن در استعمال کلمه
خلق هیچگاه تمام نمی شود
شاید آنرا بر روی می گذارند
از "خلق" مجموعه آنرا می
آیا شما در قطعه مدتها
بر تمام برات طبقاتی درون
خلق و بیرون بر نقش رهبری
پرولتاریا در انقلاب که شما اصلی

بیروزی آنست بر سر نشو
نکند اشتداید؟ آیا دعوت نامد
شما برای "وحدت و تشکیل"
همدیروهای مترقی حول
مبارزه ضد امپریالیستی بنا
"وحدت کلمه" "اما م" بر علیه
"شیطان بزرگ" در محتوی
چندتا وی دارد؟ و اصعب
جنبش انقلابی ما و مبارزه
ضد امپریالیستی خوددوروز
و ازی که در نهایت بلاگردان
بورژوازی شد با دیگر حقیقت
تاریخی لبنی را اثبات
نمود. البته میگوید:

"حرکات درون را با موقی
شود انقلاب را رهبری نماید.
این نیرو برده بورژوازی
بطور اعم و دهها بار بطور
احتمال میسر می شود رهبری
بورژوازی را بر سر میبرد. در
کلیه انقلابها وضع بدینی
سوال بوده است. و البته
روسیا هم با وضع مقدس
تخلی بر سر آمد و اگر چنانچه
در آن زمان دوات مقدس در آن
حیری حرم میگردان آت در بخور
اجداد آمد بدینی است که در
سایر با ما هماهنگ بوده است
که با دیگران اختراست
لیستی در کنگره را که بران
محل و نقل رویدادمان ۱۹۲۱
البتدا نظر رقیبا

فدایی کوبا ما را از انبیا
"روغن مقدس" بر نهاده ایم
و پرولتاریا و تمام بندگان
سیاسی آن وظیفه دارند جناح
سیاسی خود بورژوازی درجه
کمیت را در مبارزه با امپریا
لیسم آمریکا فعال و محدود
یاری کنند:
رسمی که بوده میسای

خرد بورژوازی و حشاح
سیاسی آن در خاک میساید
مبارزه با امپریالیسم
آمریکا بر روی میساید
لیبرال ها در کراس و بطور
شمسی انتظاریسای
فعال و محدود و رولتاریا
را در آن سرد دارد. و البته
کارگران و سبایندگان
سیاسی آنهاست که از این
مبارزه جدا امپریالیستی
حمایت کنند. کار ۳۷

در ماده ۲۰ و خط میانه از
نوشته کروگانهای آمریکایی
و نوشته های دولت عراق
علیه "انقلاب" ایران
صحت میکند. اما کدام انقلاب
ب. انقلابی که هیئت حاکمه
امروز بنا بر آن از ما جدا
و سیاستهای ضد خلقش دفاع
میکند و بنا بر آن نیروی واقعی
انقلاب را سرکوب کرده و ضد
انقلاب میساید. بدانیان
فیل از آنکه ما هیئت حاکم
حاکمه را که کلیه اقدامات
را بنام "انقلاب" انجام
میدهد و روشن سازند و کامی
جهت فروزری توهم نموده
بردارند این توهم را تجویز
کرده و با فراز تعبیر
هویت هیئت حاکمه که در
استقرار و بحکم سرمایه داری
و ایستد تلاش مذبحخانه ای
دارد. مبارز انقلاب و ضد انقلاب
را محدود می کنند. مگر تفاوت
رژیم حاکم عراق و رژیم حاکم
در ایران چیست؟

اگر دولت عراق از سر
ما به داری و ایستدش دفاع
میکند رژیم ایران طبسی
دوران کوتاه د حکومتش همین
مناسبات را تقویت نموده
است؟ اگر رژیم عراق چنین
خلق کرد عراق را سرکوب میکند
و نیروهای مترقی و انقلابی
را به جودهای اعدا می کنند
رژیم ایران در حق جنبش خلق
کرد. سرکمن، نیروهای مترقی
و انقلابی تا آنجا که توانش
را داشته است چکرده است؟
آیا رژیم ایران انفجارات
لوله های نفتی را که نتایج
خرابکاریهای دولت عراق

است به میانه های عراق
اعدا میسای مجرای و وحش
نه مبارز خلق عرب نشد
بل نکرد؟ اگر واقعیت
اینست پس چگونه شما خلق
ایران و عراق را به جود
مبارزه علیه رژیم عراق میساید
میخواهند ما مالدا ملسی
جنبش انقلابی ایران، یعنی
مبارزه با هیئت حاکم کنونی
را با همان ماهیت ننند
میکرید. آیا سران حکومتی
ما بعینه از خرابکاریهای
دولت عراق و تحا و زات آن بد
ایران برای انحسار
مبارزات توده ها به سر
نمیرید؟ آیا به بهانه جنگ
با عراقی ارس آمریکا را خند
را در گردان برای تحمل
عام خلق کرد مستقر نساز
ند. خط فاصل شما در شرایطی
کد بین دور رژیم ضد انقلابی
تفا دحدت میکیرید با رژیم
چیت؟ در ۱۹۱۷ که با سران
کورسیل بقصد سرکوب دولت
کرسیکی سوی بطور کسر
در حرکت بود. حزب بلشویک
با حکومت موقت کرسیکی
در اردوی کارگران در کیر
مبارزه بود و می گفتند ما در ف
مقدم نبرد بر علیه کورسیلوف
خواهیم بودی آنکه از ما
رزه بر علیه دولت ضد انقلابی
کرسیکی دست برداریم. هر
چند کرسیکی لبنی را
"کورسیلوفی" مینامید.

وحدت خلق ایران و عراق
در جنبش شرایطی بر علیه
رژیم عراق و تبلیغ آن در ما
دد ۳ قطعه مدسروش کدا
شتن بر ما هیئت هیئت حاکمه
ایران و فراموش کردن ما
رزه با آنست. خلق ما در هر
شرایطی از درون مبارزه طبقاتی
نی خود بر علیه هیئت حاکمه
میتواند خلق عراق را در ما
رزه بر علیه رژیم فاشیستی
عراق همراهی کند و از
نخا دهای این دوقدرت ضد
انقلابی میتواند بر علیه
شان بهره مند شده و روسد
زوالشان را سریع نماید.
سیاست فدائیان در این

قطعه مدس سیاست تحریری
ایوزیستی است که از یکسو
به کار بردهای هیئت حاکمه
استفاد نموده و از سوی دیگر
از هیئت حاکمه ایدستی در
"اسحسام فدمردمی"
ارتش یوسید "ایفا" فرما
سدها ن آمریکایی (ماده ۴)
دارد و آنرا جیت سرکوب خلق
کرده به بهانه ما نور در گردست
سیج نموده است (ماده ۵)
میخواهد که حقوق خلق ترکمن
را "حق مالکیت شورا های
دهقانی ترکمن مجرا را بر
زمین و دیگر وسائل تولید
برسنت نناند"

این تناقض آشکارا
چگونه به بد تعبیر نمود؟ آیا
سرکوب خلق ترکمن، آیا
جک های ترکمن مجرا اعدام
فاشینی چپا رسا ره سر خلق
ترکمن، کلونه یاران ستاد
مرکزی شوراها و خانه های
مسکونی زحمتکشان ترکمن
مجر او و برانیا کلونه های
تاک های چیتن ارتش
جمهوری اسلامی بما چنین
حق را میدهد که از دولتی که
ماهیت آنرا خلق ترکمن
مجراد زندگی شخصی خود
در یافته است و خلق کیر
امروز بر بر ما را نه میساید
از کشار میشود این چنین
مطالبی را ایما نمیم؟ آیا
از دولتی که ما هیئت حاکم
انقلابی و فدمور کراسیک خود
را در سر ایران در مقابل
با سوق زحمتکشان نشان
دهد است و بی شک میمانند

هر قدرت حاکم فد انقلابی
در شرایط بحران انقلابی از
یکسو سرکوب و از سوی دیگر
به فرما سون ضد انقلابی
روی ما وارد میتوانم چنین
درخواستی را ننما نم. اگر
دولت حاکم ما فست در
حق خواست توده ها تا من
مند سیاست سرکوب و سرور
واحتیاقی سر علیه توده ها و
نیروهای انقلابی ضرورتی
داشت؟ اگر خلق ترکمن این
انتظار را از هیئت حاکمه
داشت چرا خود دست به معار د

املاک و وسائل تولید میزند
و چرا خود سلاح سرکوب در مقابل
با ساداران و ارس برای حفظ
این حق حوس میساید. او
حتی ما هیات اصلاحات حبس
حکومیتی را که رفقای فدا
بی "مترقی" میساید در
زندگی محس خود در میساید
است. روز ۲۵ فروردین ۵۹ در
مراسم سخنرانی بنی صدر
در کنگره زارع رنجبرزایی
فریاد میکند "آقای بنی صدر
من ۲۲ سال است که هر سال
ما بر زمین نداده ام، ولی
هنوز که هنوز است بی سروری
زمین را باسم کار میکنم و
جان میکنم ما هم دروغ
میگوئید شما هم فقط حرف
میزنید تا زمان فدا نشیان
در ما مد غنطما مد خود از دولتی
کد این چنین زارع ترکمن محروما هیئت
آنها ما دقتا ند در فدا است
و با چنین مراحتی بیسایان
میدارد تا فدا میساید که
حقوق آنها را بر سر میساید
نناند. بی شک این نوع بر
خوردنای از عدم درک محیح
آنان از فرمسم هیئت
حاکم ضد انقلابی است که
برای شکست انقلاب و نجات
خود به آن توسل میجوید. و
با دور سیاست حزب نسوده و
حزب روبرو نیست شوروی است
که اصلاحات شاهانه را مترقی
میدانند.

بازنده های سیاه و انعکاس آن در قطعه نامه فدائیان

مارکسیسم - لنینیسم
سما میا موزده هر مبارزه
اجماعی کوبدای از مبارزه
طبقاتی است و آنرا این طبقات
سی معنی دارد که در یکسوی
آن طبقات فرادست و در سوی
دیگر آن طبقات فرو دست
میکیرند و دولت با ر میان
حاکمیت طبقات فرادست است
کد برای سامن این حاکمیت
محبز بدستگاهی نظامی
بماید شور فقرات خود
میساید سامن محتسوی
بمد در دخت ۸

نامه‌ای از يك كارگر خياط

این نهاد بین ایدئولوژی
و تکنیکال یک سلسله جراحیها
بی رادرسکل های م. ل. از
سیار سال ۸۵ موجود است و در یک
حاصل آن، تحریک و انتساب
در بعضی گروهها (مبارزات بین
آزادی خلق ایران، آرمان

پیش بسوی ایجاد حزب طبقہ کارگر

بقیه از مجله

فدی بر

طبقه‌ای حاکمیت سیاسی و وحدت یا تعارض آن با منافع خلق و طبقه‌های نیروی انقلابی است تا رسالت خویش را در پیش برد صحنه جنبش توده‌ای و تحقق خواست‌های سیاسی اجتماعی انقلاب باند انجام بیاورند. کلیه عملکردهای باند انقلابی چه فانون آنرا برسمیت شناخته باشد چه نشناخته باشد، مستقیم و غیرمستقیم، در جهت تأمین منافع هیئت حاکمه هستند. انقلابی است، تحت‌درآیر عملکردها در عین اینکه نشانگر بهم خوردن تضاد نیروهای اجتماعی است و گویای گسست هیئت حاکمه است، ما هیئت‌ها را که همانا تأمین منافع هیئت حاکمه است تغییر نمی‌دهد. در شرایط امروز جامعه ما که ختمان پیوسته سرمایه‌داری وابسته و جنبش دم‌افزون توده‌ها، انضمام این اجزا، پیوسته را برای بلوک سیاسی حاکم متکل نموده است و در شرایطی که ارکانهای سرکوب به‌عین دلیل انضمام و وحدت عمل لازم را از دست داده است و نمیتواند بطور کامل خواست هیئت حاکمه را برآورده سازد. شکل‌گیری اشکال دیگری از سازمانهای نظامی و دستجات مسلح برای هیئت حاکمه ضرورت پیدا میکند و بی‌شک جناح‌های پدیدار می‌شود. هیئت حاکمه این سازمانها را در شکل ویرانه‌ها کارایی دستجات مسلح تا به سر گذاشته و سرورز پدید می‌آید. نام "باند‌های ساد" را در کشور ماباعت می‌شود (۱) وجود این باندهای ساد به‌جمله نهادهای درونی هیئت حاکمه و انضمام ارتش و سایر ارکانهای قانوسی

سرکوب بستگی دارد از این و باندهای ساد در شرایط کشور ما شکل خاصی از سیاست سرکوب هیئت حاکمه و تحلی نوعی از عملکردهای هیئت انقلابی او بوده و هیچگاه خود بخود اهمیتت در پیشرفت جنبش خلق ندارد و هرگاه خلق کار هیئت حاکمه را بکسر کرده این نیروها را نیز درخیزش طوفان برای خود به زیاده‌دان تاریخ میسازد. از این رو بر خورد با این "باند‌های ساد" دقیقاً باید در ارتباط با ما هیئت حاکمه صورت گیرد و هرگونه خط فاطمی بین این هیئت و هیئت حاکمه ضد انقلابی کشید بمعنی محدود کردن ماهیت هیئت حاکمه و سرکوب گذاشتن بر تانکیهای متنوعی است که برای سرکوب جنبش میسوزاند تا ذخایر اما رفقای فدایی در بنده قطعاً معذور این باندهای ساد را از هیئت حاکمه جدا دانسته و بدون برخورد با متسلط وجودی آنها "خمد" سروهای انقلابی را "برای افسان" تا بودی آنها به اتحاد عمل دعوت مینماید تا تقاضای حمایت دولت، سپاه یا ساد را بکیمه‌ها - که البته هیچگاه آشکار نیست - این استنباط را در پی دارد که اولاً این "باند‌های ساد" بوسیله عواملی خارج از هیئت حاکمه شکل گرفته و تأسیس دولت با آنان ماهیت یکپارده ای ندارد. البته در مقاله‌ای که بعنوان "باند‌های ساد" در کار ۵۴ آورده اند ما هیئت باندهای ساد و پیوندشان را با هیئت حاکمه آشفته کرده است. از یک سو در سر آغاز مفا - لداطها را می‌دانیم باندها ساد به‌عنوان "سرورزی انقلاب" تا بوجود می‌آید از سوی دیگر تا بدو ال معمولی

سیاست‌ها از جناحی مجهول الهیود در شورای انقلاب، یا مداران و کمیته‌ها و حزب جمهوری اسلامی یا می‌کنند که این باندها را تقویت میکنند. هیئت حاکمه از نظر رفقای فدایی جناح‌های متنوعی دارد که دارای کارکردهای مستقل و متفاوت از هم بوده‌اند تا بنگاه این کارکردها که هیئت انقلابی و کاه هی انقلابی میتواند باشد. جهت اصلی سیاست عمومی هیئت حاکمه که علی‌رغم اختلافات درونی آن وسیعاً خود را در تمام پهنه‌های مبارزه طبقه‌ای توده‌ها بر علیه آنان نشان داده است از نظر آنان پنهان نمی‌ماند. هیئت حاکمه را آنان مرکب از جناح‌هایی میدانند که سادگی نمیتوانند از مرز ضد انقلاب بادرودی انقلاب گذر کنند. هیئت حاکمه از نظر آنان میتواند انقلاب و ضد انقلاب را کنار یکدیگر داشته و ساد بودن این که کردی بر حاکم مقدس جناح انقلابی آن سببند جناح ضد انقلابی آن باندهای ساد با زمان دهد. ارتش را بر علیه خلقها بسیج کند، تحصن‌ها و اعتما - بات را در هم ریزد، سرمایه داری وابسته را ترمیم نماید، انقلابیون را به جوخه‌های اعدام ببارد و دشتگاهها را بیکپاره غرقه در خون کند و هر جا برآمد توده‌ای یا باند ساد نیروهای مسلح و توپ و تانک و فانتوم حضور داشته باشد. پدیده "جناح" و "عواصم" برای فدائیان خلق خسل المائلی است که هرچند سببیدگی و ابهامی در پیوسته سرکوب، در تبلیغات، هایپو ها و کلیه تانکیهای هیئت حاکمه میسببند آنرا باز میکنند و جناحی یا عواملی را در کل هیئت حاکمه برای یا سرخ

بدان در آن نباید الیحد علاوه بر این ابزار تحلیلی بقولات مبهمی چون "قشریون، مرتجعین و..." نیز در این حل المائیل بافت میشوند. نتایج اصلی این شیوه سرخورد در پیوسته گذشتن بر کل هیئت حاکمه و سبب است که ضرورتاً موظف به حفظ آنست. سرکوب گذشتن بر ما - هیئت ضد انقلابی هیئت حاکمه است که هر روز از تاریخ حاکمیت آن انباشته‌اند. طئه، دسیسه، تهدید و تبلیغ بر علیه نیروهای انقلابی و توده‌های زحمتکش است. هر روز از تاریخ حاکمیت آن با کشتار خلقها، با سرور انقلابیون، با اعدام‌کمو - نیستی ارتش شده است. این شیوه سرخورد توهم توهمها را تا آن حد تقویت میکند که هیئت حاکمه میسببند اصاده قطعاً مدکان ۵۴ و "باند‌های ساد" را پدید می‌آورند. در فرار ما از ره‌طقاتی ایران ما از زمین خلق و ارتش هیئت حاکمه، ساد یا بداران هیئت حاکمه، جولان میدهند و در نهایت "جناح" میم از درون ساد یا بداران، کمیته‌ها و حزب جمهوری اسلامی آنرا تقویت مینماید. (ماده ۸) اما جدار بطلای بین این باندهای ساد و سیاست عمومی هیئت حاکمه وجود دارد. جدار بطلای بین سرورسم "باند‌های ساد" یا اعدام‌های خلخال و جنود دادرسی جواب مینماید و توهم "جناح خرد و سرور وازی انقلابی" هیئت حاکمه "را از دیدگاه خود بدرون توده‌ها منتقل مینماید.

بر مسلح سازمان یافته‌اند. انضباط عا بر منجخی را نگارند یا بدینا حرکتی معینی را از درون یا بیرون بپیمایزند. اس‌عاسر منحصر برای "باند‌های ساد" همواره کاسی هستند که ما - هیئت خود را در پیینه سار زده طبقه بر علیه هیئت حاکمه نشان داده است و انفا قی موضوع شکار این "دستجات مسلح" هیچگاه از عا صر هیئت حاکمه یا نزدیکانش نبوده و همواره عا صر انقلابی و کمونیست هستند و انفا قی هیچگاه دسیسه‌آم میسببند و دامنه تفوذ و قدرتشان بحدیست که فی‌التمیل چپ‌سار نن از رهبران دلبر خلقی ترکمن را از زندان او - میس بوده و سرور مینماید و بدون اینکه با از آب تکان بخورد. البته این باندهای ساد سرعت رشد خارق العاده‌ای دارند، بطوریکه کاهی ساد اصاده "ارتش خمی شورق اسلامی" تا "ساده ساداران" میسوند. ارتش شورق مینماید میسوند. سبب تا بکیمه، خشکی و سرخا مینسند و خلقت کرد و ترکمن را کلوله ساران میکنند حتی کاهی فانتوم هم دارند و برای ساران کردستان از آن استفاده میکنند. این "باند‌های ساد" و "دستجات مسلح" شبکه سرورزی هستند که در سرخا سار ایران حضور دارند و "جنبش خلق" را در کارخانه‌ها، در ادارات، در دانشگاه‌ها، در خیابانها، در روستاها، در کردستان، خورستان، ترکمن صحرا، انزلی، اندمک، درود، کنگاور... مورد خطر جدی قرار میدهند و کاهی در خم کوچای بگمینی موضوع شکار میسببند یا لسان با دای میسببند

ساده از مجله

قطع کامل دستهای خونین امپریالیست‌ها، فقط

بوسیله کارگران و زحمتکشان امکانپذیر است!



ما کمونیستیم!

و کمونیستها هرگز برای بی سبب
درگرددان، دربرگشت و درسام کارخانه‌های
ایران و جهان
اخلال نمی‌کنیم!

در روز استعمار سرمایه‌داری اخلال می‌کنیم
ما
و آنجا که میان کار و سرمایه هیچ و خدنی
نمی بینیم
تفرقه می‌ندازیم
میان کار و سرمایه و تفرقه می‌ندازیم!
ما کمونیستیم

ما غیر فاشیستی هستیم
زیرا که مرگ فاشیسم سرمایه‌داری مال ماست
منطق سرمایه، یاران ما را خواهد کشت
اما آنجا که ما به آن رسیده ایم
- ایده کارگران را -
هرگز نمی‌توانند!

آنها ما را خواهد کشت
در اول ماده - در شیکاگو -
در ۱۳۳۸ - در کوردها و خانه‌های ایران -
در ۱۳۳۵ - در لایکا و آدان -
در هر وقت و هر جا که ما رفته می‌کنیم!
در ۱۸ اردیبهشت چمدان را در آستانکا دنیس
خواهد سوزاند

و در ۱۲ اردیبهشت

در خیابان

- در ۱۶ آذر -

در اوج باز با بیکران

و اعلام خلق سلاخان

ما را با تیرهای

خواهند کشت

و چمدان را از بیمارستان "امام" خواهند
ربود.

و برای کارگران و زحمتکشان

در "هشتبه" حاکمیتشان

از حقیقت باز و شکست

افسانه پیروزی خواهند ساخت!

اما ما

دوباره شروع خواهیم کرد!

ما بنا می‌کنیم کارگران - سرمایه‌داری را خواهیم
کرد!

دوباره علامه‌ها بی‌خواب خواهند!

روی دیوارهای کشید جنوب سیر

روی تیرهای سرب

در کارخانه‌ها

دوباره "سیخ سرخ" زنده، کارخانه‌ها را درخوا-
هندورید.

و برای کارگران و زحمتکشان

سرود "انترناسیونال" و "حمیوری دیگراک
خلق"

خواهند خواند!

صف مشگل آنها را به مسلسل
بسیار و دهها کارگر زحمتکش
را به خاک و خون کشیدند.

سال گذشته، در همین
سال که در این فاجعه، کارگران
ایران توانستند بر اسم
بزرگداشتی در خانه کارگر
برپا دارند، در این مراسم که
با شرکت بیش از ده هزار
کارگر پیرو تشکیل شده بود
جنرالی که کارگر خراسانی
کردند.

اما امسال، در حالی که
مبارزات طبقه کارگر از اوج
چشمگیری برخوردار است، و
رژیم را به هراس افکنده، خانه
کارگر در اقبال عا صراحتاً
با آنکه همکاران و خوا
مزدوران حزب جمهوری اسلامی
قرار دارند، و در اوج مبارزات
مدا میریایی خفصان، و
رژیم با ایجاد جو سرد و احتی
در عمل مانع از برکساری
این مراسم شده است.
ما یادشدهای ۱۸ اردیبهشت
را که می‌دانستند و میدادیم
که طبقه کارگر، حاکمان جدید
خدا را که از نیزه زباله‌دان
تاریخ بفرستند.



و سپاه پاسداران، نهادهای
فدائولایی هیئت خاکم -
نهادهای جدید و اک بنام
ساوا، نهادهای دکانه -
اعدام انقلابیون، نهادهای
نات وسیع هیئت خاکم -
در تبلیغ برای جلوگیری
در آگاهی فزاینده توده‌ها،
بلکه "باند های سیاه" و
"دستجات جنایتکاری" هستند
که تنها در سیاست هسانی
تروریستی هیئت خاکم -
علیه عنا مرا انقلابی و کمسو -
نیست بطوریکه آکنده بکار
گرفته می‌شوند.

تذکر: کلبه حملاتی که
داخل کمیته قرار گرفتند
است نقل قول از قطعنامه
سازمان "ج. ف. است."

(۱) - ما "باند های بیاد"
را در شرایط موجودا بسران
در نظر داریم و حکومتی که
کمی و عمل کردهای آن در
با پر کشورها یا رژیم‌های
انقلابی مورد نظر ما نیست و
همچنین اساس بحث ما نیروی
عمده باند های سیاه است.



* وجیه الله حشم فیروز * حسین نیکوکار * علی کارگر

یاد شهدای ۸ اردیبهشت گرامی باد

آنها که در پی یک کنا کش

با "ناج" سرمایه دار و صاحب
کارخانه موفق شده بودند به
خواسته های خویش برسند
تعمیم می‌کردند طرف نظیران
را همیشه می‌کند مبادر
نزدیکی کاروانراستکی
نیروهای نظامی را در رژیم
ناهناسی بدستورنا دجلاد.

مال از کشتار بیشتر مانده

کارگران و چنان چیت می‌کردند ۹۰
سال پیش در چنین روزی رژیم
خونخوار و سفاک شاه، یک بار
دیگر به ضد مردمی خویش
را نشان داده و کروهی ار کار-
گران را به خاک و خون کشید.

بقید از صفحه ۲

میرزا لیسیم ایجاد شده است همچنان ادامه دارد. جنبش توده‌ای پرتوان
ما ما می‌میتواند به پیروزی خود برسد (که ما نا نا بودی سیستم سرمایه
داری وابسته است) که پرولتاریا در حزب کمونیست خود را زمان یا بدو بر
دوش رزمندگان کمونیست برای پیش برد این امر را سنگینی است که
باید بدمد و شکل و مبارزه انقلابی خود را تحقق بخشد و پیروزمیبارزه
این سه دلاور خلق محمود و حیدری، محمد رضا کلانتری، سعید کردقرا چورلو
و انبوه عظیم شهدای ما را برافراشته دارند. راه این سه میهنساز ر
کمونیست راه آزادی طبقه کارگر و راه فتح خلق ماست. آنان بخوبی
دریا فتنه بودند ما می‌که جنبش انقلابی توده‌ها پرولتاریا را در رهبری
خویش نشانده‌اند و ایدئولوژی پرولتاریا چراغ راهمای آن نباشد
نهایت آن شکست است و برای این اعتقاد است که خود را مبارزات پی کیس
خویش پای فشرده و تنها با خون خویش آخرین کام و غلظت ترین کام را
شکوهمند برای تحقق آن برداشته‌اند، اما اگر آنان پرولتاریا را در قدرت
ندیدند و مبارزات خونین کارگران و زحمتکشان و روشنفکران انقلابی ما
به ثمر نرسید و هیئت حاکم‌های را با چنین شناختنا مدنکمی بد قدرت
رساند ما بمر ما رده طبقات از غرار حکومت گذر کرده و طبقه کارگر ما را
بیشا پیش خلق و به همراه آن در ستیز مبارز دستخس و خونین بقدرت
خواهند رسانند و آرمات سوبالیزم را که این دشمنان با عشق بآن جسان
خویش را نشان داده‌اند استقرار خواهد بخشید و در خونین ترین و حماسه آمیز
ترین صفحات تاریخ آن نام این سه فرزند دلاور خلق را جاودانه خواهد
داشت.

درود بر شهدای راه آزادی

درود بر شهیدان زنده محمد، محمود، سعید

مرکز برای میرزا لیسیم و ارتجاع

با بودیا سرمایه داری و وابسته‌های میرزا لیسیم

با دستان را که می‌میداریم و را احسان را ادامه می‌دهیم.

محاضران ممتازی و تظاه
کردستان، دانشجویان رسان
جدها تفرو زخمی نمودن هزا

کردستان ...

زان نفردنخر جلوكبرى ارتر-
بتادن دكتوراى كمك سـ
زخمىنيا ، سماران شهرهاو
روستا ها ، ايست سياست
مدخلی بر عليه حلی ابن حنك
در واقع ، حنك خالفا و سحا و ایدد
خلق بر عليه حنك انقلابی ،
عادینه و سیر و سیر مدخلی کرد
است . حکومت جمهوری اسلامی
درست مثل هر حکومت فـ
انقلابی دیگری عمل میکند :
همان شیوه ها و تـ كنكـیا ،
همان كنشرا ها و سماران ها ،
همان اعلامیه ها و تبلیغات !
روش سرکوب و كنشرا که
اینروزها در تـ تـا در کردستان
بلکه در سـ ران ایران دنیا
ل میشود ، سـا نـ کـر تـا ل عـمـوـی
حکومت برای خفه کردن انقلاب
و جلوكبرى از توسـعـمـار زرد
طبقاتی انقلابی است . طبیعی
است که این بر و سـ تـ تـ تـ تـ تـ
برای شکل دادن به دار تـ تـ
و پـا سـ داران برای سرکوبان
بعـد و حـ فـظ سـ سـم سـ مـا سـ
دار و پـا سـ تـ تـ تـ تـ تـ تـ
است . بـ کـه برای بـ کـر کردن
کار انقلاب و ایجاد تـ تـ تـ
است که در پـ تـ تـ تـ تـ تـ
داران و زـ تـ تـ تـ تـ تـ و هـ
مرجعین تـ تـ تـ تـ تـ
بـ تـ تـ تـ تـ تـ تـ و حـ کـ تـ
خون کارگران ، دهقانان
و زحمتکشان بـ تـ تـ تـ .

و مبارزه زحمتکشان کردستان
در اینرا از مبارزه طبقه ،
کارگر و خلقهای ایران جهت
اسـا د جـمـهـوـری دـمـوـکـر اـنـیـک
خلق حدانست . زیرا در عـ
حال که خلق کردخواهان
حق تعیین سرنوشت خویش
است ، خلق های اسـرا ن
و طبقه کارگر خواهان ایجاد
جمهوری دموکراتیک طبق
مسائل که تـ تـ تـ تـ تـ تـ آن حق
ملل در تعیین سرنوشت
خویش تحت رهبری طبقه کار-
گرا حقانی میگرد .

جنش خلق کرد نمیتواند
و نیاید در جـا رجوب کردستان
محدود گردد . زیرا در ایـ
مـوـرت علاوه بر آنکه و حـ تـ
کارگران و زحمتکشان ایران
در مبارزه انقلابی تا مـ
نمیگردد ، و در انقلاب فرست
و نیروی کـا فـی خواهـد اـست
تا اـ لـیا اـ ران جلوكبرى و
آنرا تضعیف نماید . همـا کـنـون
هـا تـ حـا کـه تـ تـ تـ تـ تـ
مسئله ای برده است و چـمـن
غـلـت هـمـز مـا ن بـا یـمـمـر اـن
و حـمـلـه سـع تـ کـر دـسـتـان ،
حمله به سازمانهای انقلابی ،
به کارگران و زحمتکشان رادر
نواحی دیگر سازمان داده اـ
ست . جنش انقلابی خلق کرد
با وجودیک سازمان کمـو-
نیستی واحد میتواند وسـع
بـا د و بـ طـور مـتـفـا بـل جـنـش رـا
در سـرا سـرا یـر اـن عـق و وسـع
بخند . کوشش در جهت وحدت
بخشدن به سازمانهای انقلاب-
بی کمونیستی در سـرا سـر
ایران و از حـمـلـه کـر دـسـتـان
یکی از اقدامات اساسی
است که کمونیست با بـ تـ برای
کنش مبارزه انقلابی خلق
های مادرش رو قرار دهند .
نتیجه از این طریق و سـا مـه
دمق میتوان جنش خلق
کرد را سـرا سـر نواحی توسـعـ
داد و دست و پا انقلاب رادر کـ
و سرکوب انقلاب از تـ تـ تـ .

وجودنا موزونی در جنبش
انقلابی در حال حاضر ، به ضد
انقلاب فرصت داده است تا سـا
تمرکز نیرو و خلق کرد را بـ
حک مقاومت بکشد . این
تا موزونی همانطور که در سـر
آغاز مقاله گفتیم مربوط سـد
سـرا ط خاص خلق کرد و خـا -
سـه هـا ی مـعـن آتـیـا نـسـر
میشود . تبلیغ وسـع رـو ی خـا ،
سـه هـا ی خلق کرد و اـر سـا ط
ن با منافع طبقه کارگر و
بطور کلی ، نشان دادن چهره
مدانقلابی هـا تـ حـا کـه در
این اـر سـا ط ، و اـ سـا ، اـ نـد -
ما ت سرکوب کردن آن بـ
بـا نـد حـک سـا عـرا ی و د ا مـی
ردن حکومت به احـا سـا ت
سـو سـسـتی ، اـ مـر سـت کـه بـا د
بطور حدی بدان بردا حـب .
اعـسـا ی عـمـو ی و سـا ر مـا ن
بـا فـتـه تـ تـ تـا و ز ا ت حـکـو مـت
به خلق کرد و کنشرا زحمتکشان
کردستان به هر صورت کـه مـکـا
آر مـو حـو بـا سـد ، در اـ سـا عـد
دمکراسم انقلابی از دـر -
بـه ا د یـنـو لـو ی ز طبقه کارگر
و سـرا مـا د ا نـقـلا بـی بـر و لـتـا رـا
تـا شـیـر ا سـی دارد . در عـن
حال یـا ر ی ز ا تـن به جنبش
انقلابی خلق کرد و نـفـسـت
مقاومت خلق کرد و سرکـسـت
فعال در آن کار تـ سـت کـه هـر
کمونیست و هـر سـا ز مـنـان
کمونیستی موظف به انجام
آنست .

مفـع حـش کـمـو نـسـتی در اـ سـا -
عـد مـکـر ا سـم ا نـقـلا بـی آر مـو .
مـع سـر و لـری و د نـا ع حـشـی
و عـمـق ا ر حـشـی خـلـی کـسـر د
ا سـا . هـا تـ حـا کـه هـمـا بـ طـو ر
کـه د سـم سـا ا سـفـا د هـا ر ا سـی
ا مـر سـه سـیـخ بـو د هـا سـر تـسـد
خـلـی کـر د ، و حـو ب ا ر کـا سـه ا ی
نـطـا مـی خـو د سـر د ا خـد و سـلا سـی
کـر د هـا ر ا سـطـه حـشـی خـلـی کـر د
ر ا بـا ا نـقـلا ب ا ر ا ن قـطـع نـمـا د
ا مـا در هـمـن کـر د سـتـان ا سـا کـه
ا سـا سـا مـا هـب هـا تـ حـا کـه سـد
عـا لـی سـر سـن خـو ر و ز کـر د و
از هـمـن حـا سـت کـه سـا سـد
ا سـا کـر ی وسـع غـلـبـه آ سـرا
در د سـو ر فـرا ر ا د ا د . کـر د سـتـان
بـیـو سـنـد یـکـی از سـر حـسـد سـر سـی
مـو ا ر د ی بـو د ا و حـو ا جـد یـو د ا
کـه سـا مـو صـح مـسـئـلـه آ ن و حـق
مـلـل و ر ا سـطـه مـا ر ز ه خـلـی
کـر د سـا هـمـد ، خـلـیـه ا ی ا ر ا ن ،
مـیـتـوان د هـن تـو د هـهـا ر ا
نـسـب بـه هـا تـ حـا کـه ر و سـنـر
نـمـو د . ا سـن ا مـر سـه مـعـی نـفـی
بـا کـم ا حـسـب د ا د ن بـه سـا سـر
مـا سـل مـنـت بـا ا نـقـلا ب سـم
بـکـلـه در و ا نـع بـه مـا بـه یـکـی ا ر
مـا بـل د ا نـتـی ا نـقـلا ب مـطـر ح
مـیـگـر د . کـمـو نـسـتـیـهـا بـا سـد
مـا بـل د مـکـر ا سـیـک بـطـو ر کـلـی
و مـسـئـلـه کـر د سـتـان ر ا بـطـو ر
ا خـی در د سـتـو ر فـعـا لـیـت خـو شـی
قـر ا ر د هـنـد ، و ا سـن بـه خـا طـر
مـیـبـا سـد ، بـه مـن ا سـتـا د ا ر د
نـیـز هـیـا تـ حـا کـه در یـنـیـهـا ن
کـر د ن مـسـئـلـه مـیـکـو شـه ر و ز ک
مـسـئـلـه یـو ا ی ا سـتـا ل مـر د م
مـیـا ر د هـمـد ا مـکـا سـا ت د مـکـر -
ا تـیـک د مـکـر ا کـه مـسـئـلـه
آ کـا هـی تـو د هـهـا و ر و ش بـدن
آ تـیـا نـسـت بـه مـسـئـلـه کـر د سـتـان
یـا ر ی مـیـر ا نـد ، ا ز سـن مـیـر د
مـثـلـا در هـمـن بـکـمـا د سـا ل
جـدـیـد ، در سـت مـنـل تـا سـسـا ن
۵۸ مـا شـا د :
(۱) توسـعـد تـبـلیـغـات
ر ا د یـو و سـو یـو یـو یـو ، و مـا سـو

خلق کرد پشتیبانی کنیم!

در حمله به دانشگاه هیوا
مراکز آموزشی، هیأت
حاکمه، هرجا، نگرانی را بکار
گرفت و انقلاب فرهنگی را بیک
جوش را به پا کرد. -
انقلابی بر علیه فرهنگ
انقلابی و با کمک مزدوران و
جما و بدنامان و اوسان!
اما در دانشگاه دلوچستان
افغانیان نیز در این انقلاب
شرکت داشتند و جریان واقع
از این فرار است:
از اوایل فروردین -
مقامات حمله به دانشگاه
بلوچستان فراهم شده بود و در
مساجد این مراکز فساد!
حمله میکردند و توده های
ناآگاه را با قتل و تخریب این
مراکز تخریب مینمودند. اما
این تبلیغات بر توده ها
انگیزاننده نداشت. ارتجاع
که در بلوچستان با یکا هشی
ندارد. روز یکشنبه ۱۳/۳۱
دستای از عوامل مزدور
و خود فروخته و فریب خورده
را و اندک دانشگاه کرد که با

در انقلاب فرهنگی

دانشگاه بلوچستان

افتان هاهم

شرکت داشتند!

مقاله دانش آموزان و دا
تجویان حتی ند. این بود
که فکر استخدام -
افتاد. آنطور که گزارشهای
جستجوگرانه نبرد، در این
راد ۸۰۰۰۰۰ هزار تومان از
بولی زبان این مطلب
نکار گرفته اند. آتیا
با این بول هنگفت سه
استخدام پارادای از انقلابی
مهاجره در وضع بدنامی سر
میبردند و چند دسدا ی
از جما بدنام حرفه ای
زبانی را نیز خدمت گرفتند
و رهبری این دستران طریق
معمول بیاداران غیر
بومی زاهدان بعدد گرفتند.
و آنکه دکه همه چیز آمدند.
دو شیدت، استانبول
سیستان و بلوچستان که در
ستگان هاشمی رفسنجانی
است در ادب و تلویزیون
حضور پیدا کرده و مردم را به
حمله به دانشگاه فرا خواندند
و اظهار داشت که "موزو حاکم
نمون بیابش تما خواهیم
بود."

رئیس دانشگاه، در هشی
دانشگاه را تحریک در پیوند
اطلاع دانشجویان میکنند
و خود را دانشگاه را تحریک
بردیک ساعت ۱۲ حدود ۱۵۰۰
تفرقه بیناسر آتیا
بفاداران و افراد مسلح
حضور داشتند و اطرا ن
دانشگاه جمع میوند.
انجامی انجمن های
اسلامی ما موریت دانشگاه
انرا دمال را بدسجاس
معرفی کنند. در این هنگام
یکی از مزدوران ترسداد
میزد: "عمر کفریایان
رسد" و پس ریکار بسلسلیا
فتارایر میکنند. انجرا ی
سلح، متخافیرا غ غاصر
معالی رند و آتیا را است
با حتما برده و دیگر کینار
میسند و یا بدسجاس بوسی
آداباداران با نیکاس
حقی در آن حضور داشتند
مکنا بدند.
جما فداران و دستهای
سلح، تمام دانشگاه را به
مخروبه ای تبدیل میکنند.
کنا سها و دفا سها آتیش

میکسوند و با حتما ن هشی
محل سکونت دانشجویان و
اسنادان حمله میکنند و با
کلیدهای کداز تسلیل در
اختیاران تراردا است
وارد با حتما ن شده. دانشجویان
را را محروم و اموال با حصر
آتیا را غارت میکنند.
حاصل اغلات فرهنگی
اسلامی از رعاغ حسن بود:
- "عمر بوسلد کلوله
و حقای رحی حدید.
- "عمر بیدد و سید
کاروان سیدای انقلاب اسیر
ان اسرو دد گیسند.
- "عمر دسکیر
وزدانی حدید.
یکی از سیدای، رفیق
مادی بطوری، انقلابی
کمونیستی که مدتی تسزور
زدان آرمایی سر برده
سایای نده است و دوشید
دسکیرا ساداران مسزور
مفقود گرداند.
عده ای از دسکیر زندگان
را با هوا سها بدسجاس
وزدان اوین منتقل
کرده اند.

اخبار جنبش

حکومت و دستکاه های
نظامی و امنیتی آن این
روزها برای جلوگیری از
جنبش انقلابی، دست به کشتار
خلی و فرزندان دلبرو میار
زش زدند.
رفیق حمید سلحشور، کدور
ناریخ ۱۳۴۴ متولد شد و در
علی رخمی کم خود، بدحاری
در جرم برجیس و دشمنان
کارگران و رزمندگان
مما سها و کدور را بوا دد
ای رزمندگان سها آمد و از
بدو کدکی با رنجها و دردهای
طفه کارگر آشنایی پیدا
کرده بود، خلی زود بدسجاس
مبارزه بر علیه رژیم سها
وارد گردید. در سراسر
دوران حبس اسلانی ۵۷ -
غن مقاومت و اسناد کسبی

رفیق حمید در مدرسه، و شرکت
فعال، او در اعتراضات
توده ای، تظاهرات، معسار
تویبی، ... یک نموندار ز
نده انقلابی محبوب میشد.
او در این دوران، آرمود کسبی
انقلابی یافت تا در مبارزه
بر علیه سیستم سرمایدار ی
و استبداد آن کمک بکند.
آشنایی رفیق با مارکسیسم
لنینیسم، او را به جان ساز
مدق و بر سرور را د آزادان
ایفکارگر تبدیل کرد. بطور
یکدیس از تیا م تا لحظه
شهادت بدست مسزور ان
حکومت دقیده ای آرام ندا -
نت. رفیق حمید در کار بخش
انتشارات سازمان رزمند
گان آزادی طبقه کارگر،
بوضوح مارکسیسم لنینیسم

بد فرزندان زحمتکشان و
احتیاجات انرژی خود بدفعا -
لست انقلابی به همراه اودا -
ران رزمندگان در
مسجد سلیمان، واقعاً برجسته
و نمونده بود. او فرزندان انقلاب
و طبقه کارگر، فرزندان فادار
بدما رکیسم - لنینیسم و
مبارزه انقلابی بود.
سها برای کاملاً روشن
است که چرا عوامل کمیتها ی
سابق با توطئه و نقشه چینی
از قبل، رفیق حمید را به
شهادت رساندند. حکومتی
که دشمن کارگران و زحمتکشان
است دشمن فرزندان انقلاب
بی کارگران نیز میباشد.
فرزندان کمیتها سها که حالا
نفس بیلس مخفی و با ندهای
تغییب با واک را بازی -

کیند، رفیق حمید را به همراه
رفیق دیگری تعقیب میکنند

یاد
رفیق شهید رزمنده
★ حمید ★
سلحشور
گرامی باد

و در دوران بی بیان سها
انتمیل آتیا را مورد حمله
قرار داده، و با زدن بدسجاس
راست موثر، رفیق را واکون
کرده و روی خسان برنساب
مکنند، سراسر این توطئه هر

دور رفیق دجا خونریزی دا -
خلی میوند که در آن رفیق
حمید در بیمارستان شهادت
میرد. کوشش دادگاه سترای
محتوم اعلام کردن پرونده
(آشپه سها تیس از شایو
رفیق) نشان میدهند که
چگونه عوامل حکومت سعی در
سپان کردن جنايت خود و
تبدیل آن بدعا دته نمودند.
روابط عمومی سها -
با سداران محد سلیمان در
اعلامد خود "سازمان رزمند
گان" را مورد آتیا م سترار
مدهد و میگوید سها در مورد
عزیز محمدی و حمید سلحشور
و استکبا سداران آتیا را
سها بد سها ندها سها دروغ
مکسوند.

مبارزه خلق کرد از مبارزات دیگر خلقها جدا نیست!



خرده‌بورژوازی

و

انقلاب -۷-



خرده‌بورژوازی مدرن، بمثابه بخشی از خرده‌بورژوازی نابینا، از سالهای ۵۰ آنچنان اهمیت چشمگیری در میان اقشار و طبقات نداشته، و جای درخور توجهی را اشغال نمیکرد. زیرا اکده صایع و خصوصی بخش خدمات از او اخذده ۴۰ شروع به گسترش همه جا نموده بودند. و از آن میان توسعه داری دولتی یا به عبارتی بوروکراسی دولتی در کنار ریداریس مؤسسات بی شمار خدماتی در زمینه های تجارت، توزیع، مبادرات و واردات و... تأثیر زیادی در گسترش ابعاد خرده‌بورژوازی مدرن داشت. آنجا که در سال ۵۱ نسبت این گروه به کل نیروی شاغل ایران به حدود ۱۳ درصد یعنی بیش از یک میلیون نفر رسید. این گروه که شامل معلمان، کارمندان، متخصصین، مهندسان، پزشکان دولتی، هنرمندان و نویسندگان حقوق بگیر... میشود، بدلیل نداشتن علاقه مستقیم نسبت به مالکیت و تولید و توزیع و نقش آنها در بازایجاد این عنوان که فقط خرده خود را بمثابه کالا عرضه میکنند، طبیعتاً نزدیکی کمتری با نظام سرمایه داری داشته، و صرفاً از این لحاظ که سرمایه داری موقعیت برتری در مقایسه با پرولتاریا برای آنها فراهم میکند، و استقلال و فردیت بیشتری در کار و موقعیت اجتماعی نسبت به سوسیالیسم برایشان تأمین میکند، و نیز اینکه منافع و خواستهای ناشی از این موقعیت فردی با نظام سرمایه داری انطباق بیشتری دارد، با نظام سرمایه داری وحدت دارند. در نتیجه ضدیت آنها با حکومت سرمایه بیشتر و عمیقتر از خرده بورژوازی سنتی میباید و این گروه به راحتی تحت شعار مخالفت با سرمایه داری و ایجاد جامعه طبقات سوسیالیسم قرار نمیکرد، اما با معیبه طبقه سوسیالیسم مطلوب این گروه رنگ خرده‌بورژوازی بخود میکشید، و منافع تنگ و محدود و زندگی فردیشان در اساس با سوسیالیسم سروتنری هماهنگ و همسو نمیباید. چه، این منافع حقیرانه برای حفظ خود، بیوسته از دیکتاتوری پرولتاریا که مهمترین رده مشحون سوسیالیسم پرولتری از سوسیالیسم خرده‌بورژوازی بوده، و عامل اصلی تبدیل و اشتغال جامعه سوسیالیستی به جامعه کمونیستی و از بین بردن دایره های تنگ و محدود وجود فردی میباید. و خنث دانسته، و به تازگی و ریب و رنگ به معارضه با آن برمیخیزد. به همین خاطر است که خرده‌بورژوازی مدرن مناسب ترین با کار در بورژوازی نسیم میباید، و همیشه خطر مهمی برای پرولتاریا، از نظر منحرف باحتس مارکسیسم محبوب میشود. در عین اینکه، در مازاد بر غلبه سرمایه داری و سایر خرده‌بورژوازی سنتی شرکت موجود. خرده‌بورژوازی مدرن بدلیل وضعیت اجتماعی که دارد، خوراک و بایکاه مناسبی برای ایدئولوژی سنتی بورژوازی یعنی لیبرالیسم در معنای همه جا پیدایش نمیباشد، و در اغلب کشورهای اروپایی صفوف احزاب روبریونیست را متورم

میباشد. بهینکه امیدایش احزاب فاشیست نیز خرده‌بورژوازی مدرن نسیم سزایی در تقویت این احزاب داشت. و حتی حزب نازی آلمان یوسلند عناصر صریح گروه، و در بین آن پیدایش و رندنیافت. یوسال دمکراسی اوایل قرن بیستم، فاشیسم و روبریونیسم خرده، جریانهایی بودند که در بیشتر مازاد سرمایه داری انحصاری شکل گرفتند و در واقع همسان رنگ خرده‌بورژوازی یافتن مبارزه با بورژوازی، و در نتیجه نازی با آن میباید. این خرده جریا ن بمقیاس زیادی بنسب خرده‌بورژوازی مدرن ایجاد دنده و پرورش یافتند.

خرده‌بورژوازی مدرن از نظر وضعیت اقتصادی - اجتماعی فردیت کمتری و ضعفتری نسبت به خرده‌بورژوازی سنتی دارد و وجود دکان با کارگاه کوچک مستقل که در چار دیواری آن، خرده‌بورژوازی سنتی در مقابل همه قرار نمیکرد، و بخصوص فقدان حالت جمعی و همکاری در فعالیت اقتصادی وکلاً مالکیت خصوصی نسبت به سوایل تولید و توزیع، همه و همه میباید فردیت عمیق و نیرومند خرده‌بورژوازی سنتی میباید. چنانکه خرده‌بورژوازی سنتی در عمل میباید ارگه و مرکز دنیا و میباید همه چیز است، و به تنهایی همواره در مقابل ورقیب خود میباید. بر این مبنا، سراجی از دنیا کننده میتواند و منبع نیروی دیگری اش را دیگر ندر زمین و در میان اجتماع، بلکه در آسماها جستجو میکند. ضعف اجتماعی خود را در تولید یا توریتهایی نیرومند و مافوق بشری جبران میکند. و خوشتر را به آن و به سماندگان آن میباید. بدین جهت، مذهب در بین خرده بورژوازی سنتی بایکاه سنتی و نیرومندی میباید، و متفلاً، ریسمان توسل و جنگ زدن خرده‌بورژوازی سنتی به قدرت، برای تقویت نهال فردیت اش میباید.

اما، برعکس، برای خرده‌بورژوازی مدرن، مذهب چنین نقش مهم و لازمی را انجام نمیدهد. محیط جمعی کار و فعالیت خرده‌بورژوازی مدرن عموماً، و وجود نوعی همکاری در جریان فعالیت اقتصادی - اجتماعی خرده‌بورژوازی مدرن مادی لازم را برای گذشتن از اجتماع و توسل به نیروهای مافوق اجتماعی پدید نمیآورد. لذا، آن فردیت عمیقی که در خرده‌بورژوازی سنتی به چشم میخورد، که جز خود خدا کسی را نمیبیند، در ذهنیت خرده‌بورژوازی مدرن موجود نیست. و از طریق پیوندهای مستقیم و تنگاتنگ به اجتماع و به افراد دیگر و مل بوده، و این وضعیت مانع از پدید آمدن آن مبنا ی ذهنیگری میشود، که در خرده‌بورژوازی سنتی موجود است و آمادگی این گروه را برای پذیرش تفکر مادی در مقابل سوا سرمایه خرده‌بورژوازی سنتی کیفیت دیگری میبخشد. آنجا که این گروه به راحتی از علایق مذهبی و لاهوتی چشم میپوشد، و نیز به راحتی تحت تأثیر اندیشه های ماتریالیستی و مارکسیستی قرار نمیکرد. با این همه باید توجه داشت که قرار داشتن خرده‌بورژوازی مدرن در موضع تقاطع فرعی جامعه بورژوازی و بسودن در یکی از دو قطب تقاطع این جامعه، و به تبع موقعیت فردی و استقلال نسبی آن، در مانیات اقتصادی - اجتماعی وی در مجموع و در مقابل سرمایه پرولتاریا، نوعی فردیت و تبعاً دهیت بسیار میآورد. که متناسب با روبریایی - پیکولوژیک و ایدئولوژیک - آنرا با پرولتاریا توضیح میدهد. و در عین حال، توضیح دهنده این امر است که خرده‌بورژوازی مدرن نه تنها بایکاه طبیعی مارکسیسم - لنینیسم نمیباید، بلکه بایکاه طبیعی و مناسب رشد اندیشه های روبریونیستی و نیز ایدئولوژیایی که در ظاهر نقطه ماقبل سرمایه داری اند، بنابر مبرود.

پیش از سالهای ۵۰ تنها بخش قابل توجه خرده‌بورژوازی مدرن، معلمان بودند، که مبارزه چشمگیری بر علیه قوانین و مقررات موجود به شکل اعتصاب و نظاهرات انجام میدادند. نخستین اعتصاب معلمان در سال ۲۹ صورت گرفت که بیشتر هدفهای صلی داشت و سوسلند عناصر نزدیک به جبهه ملی و رهبری میشد. از آن سال به بعد سوسلند هر چند با لی دست به اعتراضی بخاطر حقوق و مزایای خود میزدند.

منهای مبارزه معلمان که جلوه مستقل مبارزه خرده‌بورژوازی مدرن بود، این گروه تحت لوای ایدئولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی بورژوازی ملی، خرده‌بورژوازی سنتی یا پرولتاریا حرکت میکرد. عدم رندوتکا مل لازم سرمایه داری ایران، و نیز وجود دیکتاتوری خنث مانع از آن بود که خرده بورژوازی مدرن در زیر پرچم احزاب روبریونیست بتواند متشکل گردد.

با خارج شدن بورژوازی ملی از حلق مبارزه بر علیه رژیم حاکم خرد بورژوازی مدرن عمدتاً تحت لوای ایدئولوژیک بخر با ثنی خرد بورژوازی سنتی یا در کسوت مبارزه ملی اعتبارات خود را متجلی می ساخت. و در مبارزه بر علیه رژیم حاکم شرکت می نمود. کما در ایران ادعا بنیان گذاران سازمان مجاهدین خلق و محیط رشد و پرورش اولیاد آنست این سازمان بوسیله دانشجویان و فارغ التحصیلانی که در گذشته با "نیفت آزادی" همکاری داشتند، بوجود آمد. در اثر تغییر و تحولاتی که در جاسم در آغاز دهه هفتاد، ظهور داد، و نیز با بدین بست رسیدن شوه های مالیست آمیز مبارزه بر علیه رژیم، و بخصوص بدینال مما نات "نیفت آزادی" در بر خورده با رژیم عنا صراماد بکال نیفت که عمدتاً پرورش یافته محیط سیاسی دانشگاهی بودند، و بحقیقاً زیاده تحت تأثیر چپ قرار داشتند، از "نیفت آزادی" جدا شده و حرکت مستقل خود را آغاز کردند. ایشان علیرغم آنکه بیوسنه مذهبی اندیشه های مبارزاتی خود را که محصول گذشته فعالیت در "نیفت آزادی" و جوهر خرد بورژوازی آنها بود، حفظ نمودند، بدلیل پدید آمدن حالتی التقاطی بین عناصر مذهبی و مادی در تکرش سیاسی آنها، در ابتدائاً استبداد بکاهی در میان خرد بورژوازی سنتی و بازار بدست آوردند، و اغلب نیروهای که جذب کردند، همان خرد بورژوازی مدرن و نطفه های این گروه یعنی دانشجویان بودند. با وجود آنکه سازمان مجاهدین خلق نتوانست نفوذ لازم را در میان خرد بورژوازی سنتی و بازاریان بدست آورد. اما با زدن ارتباط تنگاتنگ با این گروه بود. این ارتباط از آن جهت تأمین میشد، که اولاً سازمان مجاهدین عمدتاً فرزندان و وابستگان همین خرد بورژوازی سنتی را در میان دانشجویان و دانش آموزان جذب کرده بود، و ثانیاً فعالیت آن در ارتباط نزدیک با مساجد و محیط های مذهبی بود. در مقابل، سازمان چریکهای فدایی خلق که یک جریان غیر مذهبی و مل بود، عمدتاً در میان خرد بورژوازی مدرن نفوذ و پایکا بدست آورده بود. این جریان بدلیل مئی انحرافی خود، از پیروان تار یا دور افتاده بود، و همچنین بخاطر مخالفت آن با اعتقادات مذهبی و نیز اعتقاد آن بدانشیه های ممل در میان خرد بورژوازی سنتی - بخصوص با زدن و بخش مرفه این گروه، هرگز پایکا و نفوذی نداشت، و برعکس، جوهر اداری نیرومندی در بین کارمندان و دانشجویان، و کلاً خرد بورژوازی مدرن بوجود آورده بود.

سازمان چریکهای فدایی خلق، برای خرد بورژوازی مدرن جاذبه سیاسی بیشتری نسبت به جریانهای دیگر داشت و بسیار رنجور و وسیعتر از سازمان مجاهدین خلق توانست در میان این گروه نفوذ بپیم راند، و پایکا بدست آورد. بیشتنها دی سازمان چریکهای فدایی برای برآی روح رهیده از فرائض، الزامات مذهبی خرد بورژوازی مدرن مطلوب بوده، و از این زاویه، جاذبه بیشتری نسبت به سازمان مجاهدین خلق برای خرد بورژوازی مدرن داشت. دیدگاه پوپولیستی این سازمان و سایش انداختن آن بر روی استقلال و شمای طبقاتی پیروان تار یا درسیاست، حتی تمرکز کار سیاسی در بین توده های هیویت خلق، بخصوص خرد بورژوازی بخوبی و بکمال مورد پسند و مطلوب خرد بورژوازی مدرن بود.

شعارهای خاص این سازمان اعزاز مبارزه با امپریالیسم، با سرمایه داری وابسته و دیکتاتوری رژیم شاه، بخصوص از آن جهت که آلترناتیو وضع موجود را ندر جاسم معی که رهبری سیاسی آن بدست پیروان تار یا باشد، بلکه در جاسم معی میدید که خلق بی نامی و نامعین برار یکه قدرت آن میبشت، همه و همه در واقع شعارهای خاص خرد بورژوازی بوده، و از آنجا که آمیخته با تفکر مادی و رنک و بوی کمونیستی بود، شعارهای خود پیژه و طبیعتی خرد بورژوازی مدرن محبوب میشد.

وقتی شعارها و هدفهای مبارزاتی سازمان مجاهدین خلق را نیز در کنار آنچه فدائیان خلق دنبال میکردند، قرار دهیم، مناهده میکنیم که نزدیکی و وحدت زیادی بین آنها وجود دارد. "ما کمیت خلق از طرف فدائیان و حکومت مردم مردم" از طرف مجاهدین خلق، به علاوه اینکه هر دو طرح میکردند، که ما وابستگیهای اقتصادی و سیاسی، نظامی و

غیره با یدلغو گردد، و سرمایه های وابسته ملی گردد، و زمین بدهی واگذار شود، بخوبی تأکید مدعی ماست، و اینکه هدف جدا گانه سازمان تا بودی نظام سرمایه داری و ایجاد جاسم معی نیستی "جاسم معی طبقه" بوده است.

بر جسته شدن وحدت خلق و سرمایه فسادن بر روی شمای طبقاتی خلق، و پیژه ها رز نمودن تمایز و استقلال پیروان تار یا نسبت به طبقه که در سیاست، هدفها و برنامه ها را در جریان وجود داشت. نشان از روح واحد خرد بورژوازی است که در هر دو جریان حاکم بود.

اما، در عین حال، بین هر دو جریان از لحاظ اینکه در نهایت است جاسم را بوی نظام سرمایه داری و از میان رفتن استثمار و اجساد "جاسم معی" شده بود. موضعی را دیکال در مبارزه بر علیه رژیم حافظ نظام سرمایه داری وابسته داشتند، که متناسب با وضعیت اقتصادی - اجتماعی بحث مرفه خرد بورژوازی سنتی نبود، و از آنجا که این بخش خرد بورژوازی در دل سیستم سرمایه داری وابسته تغذیه میشد، و جوش خود رکی زیادی با مناسبات این چنین جاسم معی دارد. این دو جریان نمیتوانستند تمایز سیاسی طبیعی آنها باشند. از این میان، بنیاب وجود آنکه سازمان مجاهدین نمیتوانست تمایز سیاسی طبیعی و بازگاز بخش مرفه خرد بورژوازی سنتی باشد. معیذا توانست که بخش مرفه خرد بورژوازی سنتی را بدینال خوشگمانند، و در عمل خرد بورژوازی سنتی مرفه همراه نمایند تا ریکی اش که روحانیت بود، تحت نفوذ و تأثیر به سازمان مجاهدین خلق قرار گرفت، و به رهبری سیاسی آن تمکین کرد. و کرجه مواضع را دیکال این سازمان برای آن کران بود، اما بدلیل حلا نموده سیاسی خاص خرد بورژوازی مرفه در اشراقان و سرکوب خن و رونی نسبی بازار تار کیر از دنیا لدروی بود.

سازمان چریکهای فدایی خلق، هر چند که نفوذ زیادی در بین دانشجویان داشت، اما از لحاظ نفوذ توده ای هرگز قابل مقایسه با سازمان مجاهدین خلق نبود، که این امر از سویی در ارتباط با مشی خرد بورژوازی فدائیان بود که مانع از نفوذ آنان در میان کارکنان بعنوان پایکا به طبیعتی مل ها میکردید و از سویی دیگر ناشی از اعتقادات و تعصبات مذهبی مردم بود. که زمینه ذهنی جذب نظرات مجاهدین خلق بشمار میرفت. لوای مذهبی مبارزه مجاهدین خلق نقش عظیمی در بدینال گشتادن خرد بورژوازی سنتی مرفه داشت، چنانکه بدلیل فاطمه پس از تحولات ایدئولوژیک درون سازمان مجاهدین خلق و حتسی مدتی پیش از این جریان بازاریان با وقوف بیشتر بر نظرات مجاهدین سر یعاً از آن روی بر تافتند، و از ارجاع خود را کردند. این جریان معادف بود با تشدید تنافضات نظام سرمایه داری وابسته و افزایش نرخ تورم که مستقیماً در بازار و در کسب و کار خرد بورژوازی تأثیر میگذاشت، و موجب بروز حالت کساد و رکود در بازار گردید. اقدامات رژیم شاه برای حفظ نرخ غارت و استثمار سرمایه وابسته و از جمله مبارزه با کرافروشی و ایجاد اتاق اصناف پیش از هر گز کر یا تکریر خرد بورژوازی سنتی و بازاریان را نکردید. رژیم شاه برای خن کردن مبارزات توده ها بر علیه اجافات و فشار زندگی، با برنامه مبارزه با کرافروشی، مستقیماً به خرد بورژوازی سنتی هجوم آورد. اما، این امر در کنار نوبی کسادی و رکود که در کسب و کار خرد بورژوازی پیداشده بود، اعتراضات و ناراضی بیتی خرد بورژوازی را تشدید نمود، و مبارزات آنرا دامین زد.

شدت یابی ناراضی و اعتراضات خرد بورژوازی سنتی بدینال خود تب مبارزاتی بازاریان را افزایش داد، و چهره های سیاسی تازه کار خرد بورژوازی سنتی مرفه را دوباره به فعالیت سیاسی بر علیه رژیم شاه گشتاند. ایشان که تجربه نلخی از دنیا لدروی از سازمان مجاهدین خلق داشتند، بهراغ نمایندگان سنتی و طبیعتی خود یعنی روحانیت رفتند، و نظرات را دیکالی مجاهدین خلق را بدور ریختند، و نتوانستند نماینده کی سیاسی سازگار با منافع خود را، که هم با روحانیت سیر و تخمینگی و

شماره صفحه ۲۰

سرکوب نیروهای انقلابی خدمت به امپریالیسم است!

بغداد از صفحه ۱۳

موقع شناسی

هیات حاکمه

خود را، حاکی از شهادت حضرت آیت الله العظمی محمد باقر صدر در یکوش مردم ایران برسانند. کیهان ۲/۳. قضیه تدریجاً فروکش میکند اما جمهوری اسلامی روز اول اردیبهشت مجدداً مینویسد:

"محمود صابری نماینده نام الا حنیف... صدر و روحانین سیاسی خود را در رابطه با شهادت هراغلا با اسلامی عراق..."

برتان را در دنیا وریم از تاریخ ۱/۲۵ به بعد هر کوشه روزنامه هابری از "منابع موثق" در تأیید کشته شدن باقر صدر نوشته شد. تسلیت

نامها از مقامات مختلف بویژه شورای انقلاب اسلامی عراق، برای آقای خمینی صادر میشود. اما هر چند "همه گزارشها چنانکه منتشر شد حاکی از این جنایت کثیف رژیم بعثی عراق بود. اما باز از آقا متکاها مقام واکنشی رسمی دریافت نمیشد. کیهان ۲/۳.

اما لحظه ما عد برای اعلام عزاداری فرارید، دانشجویان را در دانشگاه کشتار کردند، هجوم به دانشگاهها افکار عمومی را متشنج کرده بود، مورد شهیدان خود را کرامی میداشتند، مراسم برگزار میکردند یا بدعلم عزاداری را بلند کردند، یا بد

از توبه را همیشه بی‌هاو عزاداری‌ها مرک جدیدی بیرون کشید و چه بهتر که الان برای باقر صدر اعلام عزاداری عمومی کنیم، تعطیل عمومی علم کنیم. ما جدونکا را را هیندا زیم وعزا

تراکنیم... و بدین گونه است که از روز چهارشنبه ۲/۳ یعنی بعد از کشتار دانشگاه‌ها برای سه روز عزای عمومی همراه با مراسم و هیما بی برگزار میشود. روزنامه جمهوری اسلامی کیهان

بیچاره تا زکراست و بقول خبرگزاری پارس "از مصالح مملکتی" و از قوا عداوی اطلاع ندارد. روز ۲/۳ داد و ستد درامیاندا زد که

"از مسئولین وزارت ارشاد ملی میرسیم که آیا چه وسیله ای اطمینان کامل یافتند که رژیم بعثی عراق دست به چنین جنایت هولناکی نزد که اینطور با عجله در پی تکذیب آن بر

آمدند؟"

از هیئت حاکمه همه جور سیاست دیده بودیم جز این آخری که الان بعرضتان میرسانیم جریان مربوط میشود به کشته شدن محمد باقر صدر بوسیله رژیم بعث عراق. بنا بر آنچه روزنامه‌ها نوشته اند واقعاً قبل از ۲۵ فروردین انجام شده است و بعد از تحقیقات مختلف، هم‌روزنامه‌ها بویژه روزنامه جمهوری اسلامی دوشنبه ۲۵ فروردین را با تیترو درشت "شهادت آیت الله صدر" اختصاص داده بودند. مثلاً همین روزنامه جمهوری اسلامی روز ۱۲/۲۵ مینویسد:

"بنا بر گزارشات متعدد بعث عراق به سرگرسنی جنایت تاریخ شکن خود دست زد... خناره فقیه مجاهد و مبارزه ستوه... و خواهش نبایه خاک سپرده شد... بعنوان اعتراض به حمایت هولناک رژیم بعث عراق، نماز جماعت حوزه علمیه نجف از سوی خویی تعطیل شد... شورای انقلاب اسلامی عراق به حضور امام خمینی تلگرام تسلیت فرستاد... در تاریخ ۱/۲۳ انبوه آیت الله خویی در دمشق این خبر را تأیید کرد... مجلس شعیان لبنان اعلام عزای عمومی میکند... با پخش خبر شهادت آیت الله مدرقم یکپارچه عراشد... دانشجویان کویت برای اعتراض به این عمل اعتصاب غذا میکند..."

با تمام این احوال خبرگزاری پارس گاه صبرش لب ریز میشود که الان بلا مرغ یکپارچه دارد و روز اول اردیبهشت طی اطلاعیه‌های اعلام میکند:

"در تحقیقات وسیعی که راه‌های رسمی و غیر رسمی عمل آمد و خبر روزنامه جمهوری اسلامی در مورد شهادت امام صدر بی اساس بوده و با تسلیت تکذیب میشود."

و بدینال آن سخنگوی شورای انقلاب اسلامی عراق، حرکت وزارت ارشاد ملی را مشکوک اعلام میکند (جمهوری اسلامی ۱/۳) و "روز یکشنبه ۱/۳۱ نماینده شخص شهید و نیز نماینده مجلس شعیان لبنان شخصاً در خبرگزاری پارس حضور یافتند از این طریق اطلاعیه مطالب

و غیره متحد کردند. فقط یک چنین درآمیختگی کارگزارین ملت‌های کونا کون دربار ما و احداث که به سر و تا ربا امکان میدهد علیه سرمایه بن المللی و با سونالیم روز و اپی بیروز مندانسه مبارزه ما روماید."

(قطعه مد در باره "مسئله ملی ص ۲۷۳ منبغات آثار)

همینطور وظیفه کمونیستها

در ایران و اجتماعی تربیت پرو -

لنار یا بنحوی است که حق

ملیتها را در تعیین بر نوشت

خویش بدرستی دریا بندوا ز

آن دفاع نمایند. با توجه

به آنکه اصولاً هیات حاکمه

آگاهانه روحیه ناسیونالیستی

را دارا من میزند و خرده بورژوا

ازی کثیرا العده ما نیز با

جری و ولع این روحیه را

اشاعه میدهد، این وظیفه

دشورا و نیروی اهمیت ترمیگر -

دد، "تساوی کامل حقوق

ملت‌ها، حق ملت‌ها در تعیین

بر نوشت خویش، بهم آمیختن

کارگران کلیه ملت‌ها

اینست آن برنام ملی که

مارکسیسم بکارگزاران

مبارزه و اینست آنچه که

تجربه تمام جهان و ...

مبارزه. "لبنین منبغات

آثار - ۲۷۲

=====

... مبارزه خلق کرد همچنان

علی رغم همه توبها و تانکها

علی رغم همه ارتشها و



منتشر شد:

پست وزارت نفت برای مشاور فنی ساواک

تاریخچه
سیاسی-تشکیلاتی
سازمان ما



بنیادین سالگرد شجارت رقتا: * محدود و محدود
* محدود و محدود
* محدود و محدود

★ سازمان روزمندگان آزادی طبقه کارگر



سری

به است سازمان اطلاعات و امنیت کشور

مطابق بنام شماره ۶۲۴/۱۷۰ مورخ ۲۲/۴/۳۰ بدینوسیله
آقای مهندس معین فر معرف می‌شوند تا در مسائل مربوط به ساختمان با آن
سازمان همکاری نموده و طرف مشورت برای رسیدگی به نقشه‌ها از نظر
فنی واقع شوند.

مجلس اصناف

مدیر عامل سازمان برنامه

د. ا. ر. م. ج. ن.
۱۶/۳۰

بقیه از صفحه ۲۰

عنوان کرده بود، روزی سه روز
آنگاه رنده و هندو کمونیست‌ها
بدواعتیت نزدیک می‌بود.
از روزی که امپریالیسم
آمریکا، بد قطع رابطه با
سی با ایران پرداخت، سور-
ای انقلاب پس از آنکه ایسی
عمل امپریالیسم را بحساب
مبارزات مدا امپریالیسم
خویش گذاشت و با وفا حبس
تمام، سر از دما و کدیرو-
های چپ و انقلابی دربار
قطع ای روابط با فساد
میکردند، فرمان حسن وادی

ما در کرد (و سازمان) و
چریک‌ها نیز در این حسن و
دی شرکت کردند! در حالی
که سعی میکرد خود را شکو
نشان دهد، بد قطع و نشان
کنیدن برای نیروهای
انقلابی و کمونیست، کارگران
و زحمتکشان را برای ایران
پرداخت و صریحاً اعلام کرد که
ارایین نیروهای کدسا
نورای انقلاب مخالفست
میکردند اگر بد این مخالفست
ادا مد دهند، خدا انقلاب محسوب
عدومحازات خواهند شد. در
همان جلسه نورای انقلاب،
بگفتند خود را "تصمیمات مهمی"

اتخاذ کرد که قرار بود اعلام
نودولی تا این لحظه اعلام
نشده است! این تصمیمات چه
بوده است و آیا از اجرای
پنجمان شده اند؟ نه! این
تصمیمات رسماً به اجرا گذاشته
شده و می‌شوند. بکروزی به چا-
پخانه‌ها میریزند و بکروزی به
دانشگاه‌ها، بکروزی به پناه-
پاکسازی ادارات نیروهای
انقلابی را بر ضرر می‌گیرند
و بکروزی در استان را با باران
میکند، بر نامه وسیع سرکوب
در همه جا رسماً پیاده می‌شود و
سال امنیت هما نظر کرده و عده
کرده بودند آغاز می‌شود.

امپریالیسم آمریکا رابطه
سیاسی را با رژیم قطع می‌کند!
رژیم تلافی اش را بر سر
نیروهای انقلابی و کمونیست
در می‌آورد!
اما هیأت حاکمه این بار
نیز در موقعیت بدی قرار دارد
کوس رسوایی هیأت حاکمه،
پس از هر عمل ضد انقلابی، در
هر کوی و برزن بمبار می‌آید.
بجرات می‌توان گفت که
نسبت به دوران اشغال مغارت
حکومت باز هم از وضع مسزلسر
لتری برخوردار است، و این
موضوع وظیفه نیروهای
مبارز و انقلابی را حاسن تر

میکند. آنها با پیدا دقت
عمل و شناخت درست شرایط،
با تقویت مبارزات فکری
امپریالیستی و مبارزات
طبقه‌ای توده‌ها، با پشتیبانی
بسیار مان از خلق کرد، بی-
افشای همه سیاست‌های ضد
خلفی هیأت حاکمه از ریز و
درشت، ضد خلق را بداند و
بکشند.
تجربه بد توده‌ها در س
میدهد! اینک وقت آن رسیده
است که بد توده‌ها نشان
دهیم، "کمونیست‌ها به مردم
دروغ می‌گویند" آنها
بقیه در صفحه ۱۵

بقیه از صفحه ۱۷۴
خرده بورژوازی...

با ران و بیروان وی بودند، مجدداً فعال سازند. بتدریج عکس‌ها و تصویرهای خمینی که نسبتاً از خاطره رخت بر بسته بود، رواج یافت، و او توریسته آخوندهای طرفدار خمینی از نظرسایسی افزایش پیدا نمود. محفل‌ها و گروه‌های مذهبی - سیاسی بوسیله بازاریان و چهره‌های بارز خرده بورژوازی سنتی مرفه بوجود آمد، که تشکیل دهندگان سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی از همین قماش بودند.

تشدید ناامنی و بالا رفتن تب مبارزاتی بازاریان زمینه ساز موجب افزایش فعالیت سیاسی آخوندها و داغ شدن بازاریان منبرها گردید. بدنبال گسترش فعالیت سیاسی روحانیون بر اثر حمایت پایگاه اجتماعی آنها که همان حمایت بازاری و خرده بورژوازی سنتی مرفه بود. اینسان نیز خود را فشرده و متشکل ساختند، و پس از چندی "روحانیت مبارز تهران" را بوجود آوردند.

حلقه سیاسی رهبری رادیکال خرده بورژوازی سنتی و تحولات ایدئولوژیک مجاهدین خلق باعث آن شد که سگان مبارزه سیاسی خرده بورژوازی سنتی بدست بخش مرفه آن بیفتند و روحانیت پیرو خمینی نماینده سیاسی آن گردد، خرده بورژوازی سنتی مرفه و ایفاً خمینی از شعارهای تند و رادیکال بر علیه سرمایه داری و ثروت بی حد و حساب بدور و بیزار بودند. خمینی حتی در سال ۴۲ مخالف اصلاحات ارضی و تصرف اراضی مالکین - از موضع حفظ مالکیت - بود چه رسد به اینکه مخالف سرمایه داری باشد. بدین خاطر، غایت مطلوب سیاسی خرده بورژوازی سنتی مرفه که هم‌مز سرما پیداران بود، بشمار میرفت. برای درک بیشتر رابطه بین خرده بورژوازی سنتی مرفه و روحانیت نقل قولی از یکی از جزوات "آرمان مستضعفین" که مواضع خرده بورژوازی رادیکال را دارد میآوریم:

"(ا) خمینی () نتوانسته است آنگونه که باید از جو عمومی حاکم بر حوزه‌ها که همان جانبداری از بازاریان و روحانیون تکیه‌گاه طبقاتی است، برگردد. اگر اعلامیه‌ها و سخنرانی‌های او را در دوران قبل از خروج از نجف و ورود به پاریس بررسی کنیم، میبینیم که مخاطبش تنها مسائلی

بازاری است و با حوزه همه جا میگوید: بازاری تهران، بازاری اصفهان، بازاری تبریز... و با حوزه قم، حوزه نجف و باسلام برسد. با دمسلمانان برسید ما در آن دوران کمتر می بینیم که وی اسمی از کارگران، دهقانان و مستضعفین بیاورد و بعنوان تکیه‌گاه مبارزاتی خویش، از آنها بخواهد که بیاری اسلام بشناسند و نظام شاهنشاهی را در هم کوبند و... این دوتیپ (روحانی و بازاری) پیش از آن مبارزه خمینی را تشکیل میدهند و با بر طبقا ت مردم میبایست از آنان پیروی نموده، و در پشت سر آنها حرکت کنند. این مساله نشان میدهد که تا پیش از مسافرت به پاریس "تکیه‌گاه طبقاتی" و با لایحه "تکیه‌گاه مبارزاتی" وی قبل از آنکه توده‌های مردم باشد، سرمایه داران بازار و طلب حوزه‌ها هستند، و در واقع ما شاهد بودیم که در عمل نیز این دوتیپ در طول انقلاب وظیفه بشناران خود را بخوبی انجام رساندند. ولین سبب رای اعتراض بر علیه رژیم سابق از حوزه علمیه قم در رابطه با پشتیبانی از شخص خمینی رخاست. توسط بازاری تهران و قم و سایر شهرها

بدنبال شد. و بدنبال آن میدیدیم که در تمام شهرهای ایران، این دوتیپ در عمق بخشیدن به شور و درونی مردم نقش اساسی را ایفا میکردند. روحانیت در دفاع از مبارزه خمینی حاکمیت آینده خویش را میجست و بازاریان نیز میدانست که اگر از خمینی دفاع نکنند، هر رژیمی که بجز رژیم مورد نظر خمینی بر سر کار بیاید، شوک حمله‌اش متوجه سرمایه داری و استثمار - گری آنان خواهد بود. این است که همانگونه که خمینی بخاطر وابستگی شدید به این دوتیپ، در دوران تبعید در نجف، تکیه اصلی خویش را تنها بر روی آنها قرار میداد. و برای توده‌ها اصلت مبارزاتی قائل نمیشد. آنها نیز بعلت اینکه در رژیم آینده خمینی موقعیتمتازی هم از نظر اقتصادی و هم از نظر اجتماعی کسب میکنند. شدیداً از وی جانبداری مینمودند... امروز ما بخوبی شاهدیم که اعتماد و اطمینان زاید الوصفی را که وی به روحانیت و به بازاریان دارد. و آنها را مخاطبین اصلی و امین و محرم خویش بحساب میآورد. در مورد توده‌ها مردم صادق نیست. مثلاً در ترکیب شورای انقلاب، مجلس خبرگان، گردانندگان دفتر خمینی در قم، دست‌اندرکاران سیاست مملکت و مشاوران و نزدیکان و افراد مورد اعتماد و ما بهیچوجه رد پای از کارگران و کشاورزان و مستضعفین واقعی جامعه نمی بینیم، بکله تنها ما با روحانیانند، و با بازاری و با کسانی که بنحوی ریشه در این دوتیپ دارند. (نظریاتی مدروسی‌دی)."

ر. ک. به "نقش رهبران انقلاب در سیاستهای کلی مملکت بویژه مسائل کردستان" از انتشارات مستضعفین از آنرو نقل قولی اینچنین طولانی را آنهم با روح خرده بورژوازی آن ذکر کردیم، که نوشته مزبور بخوبی از موضع خرده بورژوازی رادیکال ماهیت طبقاتی روحانیت، خمینی و رابطه آنها را با بازاری توضیح داده است. بازاری که عمدتاً جایگاه خرده بورژوازی سنتی مرفه میباشد. در قالب خمینی بهترین نماینده سیاسی خود را یافته بود، که از سویی خواسته‌های محدود و محدودی را تحت لوای مبارزه دیرینه، خمینی با استعمار و سلطه بیگانگان بدنبال میکرد، و از سوی دیگر مبارزه‌اش را بر علیه دیکتاتوری سرمایه انحصاری وابسته به عبارتی حکومت مطلقه شاه میتوانست هدایت کند. در عین حال هیچ رنگ و بویی از افراط و تفریط بر علیه سرمایه و دغدغه و تشویش که از افراط گری مجاهدین خلق داشت در اینجا چشم نمیخورد، و اطمینان کاملی از امکان ثروت اندوزی در حکومت آینده برایش وجود داشت. چنانکه پیش از قیام، خمینی حتی سرمایه داران بزرگ را در کنار خود جای داده، و به آنها امان میداد، و بخصوص بعد از قیام به آنها در برابر زیاده رویهای توده‌ها تضمین میداد.

"پس از پیروزی انقلاب مردم، وی چندین بار به سرمایه داران و بازاریان اطمینان داده است که تا زمانی که وی زنده است، کسی نمیتواند متعرض آنها شود و سرمایه‌هایشان را نگیرد. و در مقابل،

اتحاد پولادین کارگران و زحمتکشان، نظام پوسیده

کارگران را از کم کاری و اعتصاب و تحصن باز میدارد، و مرتباً آنها را در همین شرایط ظالمانه استثمار می‌کند، و از سرمایه داران میخواهد که آزادانه سرمایه گذاری خود را ادامه دهند، و در ضمن حقوق کارگران را هم بدهند، تا سر و صدایشان در نیاید!" (همانجا)

خمینی سرعت تبدیل به رهبر نیرومند جنبش توده‌یی گردید. و با توجه به هاله مذهبی ناشی از مرجعیت اش و نیز با زتینا پذیری اش در گذشت، نفوذ او تدریجاً چشمگیری نظیری در میان توده‌ها بدست آورد. اما این فقط خمینی نبود که جنبش توده‌ها را هدایت میکرد، بلکه شبکه‌ی تشکیلات روحانیت و گروه‌های مذهبی - سیاسی خرده بورژوازی سنتی مرفه بود که زمینه رهبری خمینی را فراهم میکردند. هم‌اینان بودند که اعلامیه‌ها و توصیه‌های او را بلافاصله با تیراژی در گوشه و کنار مملکت و در هر کوی و برزن پخش میکردند. و حتی هم‌اینان بودند که تا حدودی سیاست او را تعیین مینمودند.

رهبری خمینی برجسته عظیم خلق در حقیقت رهبری خرده بورژوازی سنتی مرفه در مبارزه خلق بر علیه رژیم کابود، نه رهبری خرده بورژوازی در کل، زیرا که خرده بورژوازی در مجموع خود وحدت و پیوستگی درونی لازم را نداشت، که مشی و سیاست یکپارچه و واحدی را عرضه کند، و نیز نمایندگی سیاسی واحدی برای خود فراهم نماید. خرده بورژوازی از یک سو سازمان مجاهدین خلق و دکتر شریعتی و نظرات رادیکال آنها را بر علیه سرمایه داری و استثمار و طرفداری از جامعه بی طبقه، برابری و قسط از خود بیرون میدهد. و از سوی دیگر روحانیت خمینی و گروه‌های تشکیل دهنده سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی را که سخنی از مبارزه بر علیه سرمایه داری و دفاع از جامعه بی طبقه میمان نمی‌آورند. اما در عین حال باید توجه داشت که خرده بورژوازی در قبال سلطه سرمایه داری وابسته و وحدت نیز دارد، که در استقلال طلبی و فدیت با امپریالیسم و دیکتاتوری متجلی میشود. استقلال طلبی و آزادیخواهی جنبه عمومی و وحدت خواسته‌های بخش‌های مختلف خرده بورژوازی را میرساند. حال آنکه فدیت با سرمایه داری و استثمار و طرح شعار "جامعه بی طبقه" خواست ویژه خرده بورژوازی فقیر و رادیکال است. مبارزه قاطع خمینی بر علیه رژیم کابود سرمایه داری وابسته و بر علیه سلطه امپریالیسم در شرایطی که بورژوازی هرگز نمیتواند و نمیخواهد در این مسیر مبارزه کند، بخوبی ماهیت خرده بورژوازی مبارزه وی را با ثبات میرساند. اما از آنجا که خمینی و روحانیت پیروان در مبارزه بر علیه رژیم کابود هیچ برخوردی با سرمایه داری نداشته، هیچ محدودیتی جز خمس و سهم اما مو... برای ثروت، سرمایه و به خصوص زمین قائل نبوده، و حتی برعکس آزادی و حقوق سرمایه داران را تضمین میکردند، بخوبی اثبات میشود، که این مبارزه خاص بخشی از خرده بورژوازی است، که همان خرده بورژوازی سنتی مرفه میباشد.

شعار معروف رهبری جنبش انقلابی توده‌ها نیز بخوبی ماهیت طبقاتی رهبری آنرا یعنی سیاست خرده بورژوازی سنتی مرفه را منعکس مینماید. شعار "استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی" "انهم بهنگامیکه هیچ سخنی از موجودیت بورژوازی ملی در میان نیست، آشکارا مظهر خرده بورژوازی سنتی - البته بخش مرفه آنرا - بر پیشانی جنبش میکوفت این شعار که در بورژوازی بودن آن جای حرفی در میان نیست، نمیتوانست شعار بورژوازی لیبرال باشد. زیرا که بورژوازی لیبرال نه میتواند و نه میخواست که در مقابل امپریالیسم استقلال داشته باشد، و به وجود هژا - رها تا مرئی و نا مرئی که رشته حیاتش را به امپریالیسم وصل میکرد، آگاهی داشت، چنانکه با زرگان در ابتدا با طرح این شعار مخالف بود، و حتی یکی از دستیارانش در سمنار مسائل اقتصادی گفته بود که "وابستگی امری قهری است" در عین حال، این شعار هرگز تمامیت خرده بورژوازی و بخش‌های مختلف آنرا نمیتوانست منعکس کند، به خصوص

که بخش رادیکال و فقیر خرده بورژوازی از مدت‌ها پیش مبارزه بر علیه استثمار و ثروت کلان و خواست جامعه بی طبقه را تبدیل به یکی از شعارهای مهم خود کرده بود. شعاری که پیوسته از جانب شریعتی و مجاهدین خلق مطرح شده، و عمومیت یافته بود.

خرده بورژوازی مدرن نیز که چندان میان خوشی با آئین‌ها و تشریفات غلیظ مذهبی نداشته، و مذهب را در شکل رنگ باخته و رقیب آئین طلب میکرد، نمیتوانست خواستار حکومت اسلامی سلطه آخوندها باشد. شعار "استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی" غلیظ آنکه نسبتاً بیان کننده جنبه وحدت منافع خرده بورژوازی در مجموع بود، بطور خاص و بمناسبتی دقیق شعار خاص خرده بورژوازی سنتی مرفه بود. نه تنها این شعار که ترکیب اجتماعی پیرامونینا، خمینی و روحانیت پیروان، و ارتباط تنگاتنگ بین بازاری و روحانیت، نیز دلیل بارز آشکارا ماهیت خرده بورژوازی سنتی مرفه روحانیت پیرو خمینی و خود خمینی بود.

رهبری خرده بورژوازی خمینی بر متن فقدان رهبری پرولتاریا در جنبش توده‌یی و سپس خلا رهبری سازمان مجاهدین خلق یعنی خرده بورژوازی سنتی رادیکال و تا حدودی خرده بورژوازی مدرن، بر احوالی و سرعت تأمین شد، که این امر تا حدودی محصول تغییرات ایدئولوژیک سازمان مجاهدین خلق بود. شکست جریان سیاسی مجاهدین خلق حکم نقطه عطفی را در مبارزه طبقاتی میهن ما داشت و نشان میداد که تشدید تفاذهای طبقاتی و قطب بندی طبقات به آن حد رسیده که مانع از آنست که خرده بورژوازی فقیر و مرفه تحت سیاست واحد و منافع کاملاً مشترکی براتیک سیاسی یگانه‌یی داشته باشند. خرده بورژوازی سنتی مرفه که از شعارهای رادیکال سازمان مجاهدین خلق "مارگزیده" شده بود، دیگر هرگز حاضر نبود که به رهبری آن تن در دهد. چنانکه در جریان جنبش انقلابی ۷۷ به روشی که میتوانست، در مصد تضعیف و زمین دادن بدر کردن مجاهدین خلق تلاش مینمودند. و از آنجا که خرده بورژوازی فقیر از لحاظ سیاسی ضعیف شده بود، و نتوانسته بود تا نمایندگی سیاسی خود را برپا کند، بجای آنکه همچون گذشته خرده بورژوازی سنتی مرفه را در پی خود حرکت در آورد، خود بدینال آن روان شد.

به ترتیب، خرده بورژوازی سنتی مرفه باز عا مت خمینی توانست رهبری جنبش انقلابی خلق را در دست بگیرد. و پرولتاریا و خرده بورژوازی فقیر و رادیکال و حتی بورژوازی لیبرال را بدینال خود بکشانند. رهبری خرده بورژوازی سنتی مرفه هر چند که توانست توده‌ها را بدینال خود بکشد، اما بدلیل وضعیت خاص این قشر که نزدیکی زیادی با بورژوازی داشته و تفاوت ملموسی با بورژوازی کوچک ندارد، نمیتوانست مبارزه بر علیه امپریالیسم و در جهت طرد سلطه همه‌جا نیه امپریالیسم را بطور جدی و قاطع دنبال کند. سازش و همکاری آن با بورژوازی لیبرال و از طریق وی سازش با امپریالیسم بر سر انتقال قدرت بدست بلو که خرده بورژوازی سنتی مرفه و بورژوازی لیبرال و سپردن قدرت دولتی (کابینه) بدست بورژوازی لیبرال بدون آنکه هیچ نقش مثبتی در جنبش عظیم خلق داشته باشد، نتیجه طبیعی وضعیت اقتصادی - اجتماعی این قشر بود، که ناگزیرش میساخت، با بورژوازی و در نتیجه با امپریالیسم راه مدارا و سازش را در پیش گیرد و مبارزه با پرولتاریا را بر مبارزه با امپریالیسم ترجیح دهد. و چه خوب "آرام مستضعفین" از موضع خرده بورژوازی رادیکال خود مینویسد:

"اصولاً مبارزه خدا امپریالیستی با خداستعمار وی (خمینی) هیچوجه نمیتواند یک مبارزه امیل باشد. چرا که یک مبارزه اصل خدا امپریالیستی میباشد بطور کلی در سه جبهه خدا امپریالیستی، خدا استثمار وی و خدا استعمار وی حربان یابد." (همانجا)

"اما مبارزه"



سرمایه داری وابسته را درهم خواهد کوبید!

خفاش های آهنگین ارتش
جنا بنگار و رجا و زکرا میرسان
لیم آمریکا، در دل سادس
صدها کیلومتر از خاک میس
زحمتگاران را در نور دیده
و در پیکار در پیش ما حمله
نند و زود آمدند. اما، طوفان
شن، با عوامل دیگری که
ارتان بی حیرم، ما موریت
آسیا را با سکت مواحد کرد و
بی از یک سخته و زکرا ن بد
پایگاه های جویس و اعلام
کاخ سفید میس سرور
عملیات بود که حکومت
امیرالست! جمهوری ایالات
خمس و کوهستان، زیمباران شانه
سندج، در حالیکه هنوز
چون شهادت دانست که دیگر
اندامش نکت زده خنک نس. ده
بود، چنان خواب آلوده خو
یش را مالید و با و ناخن هر
حدها منبر، در اولن اعلام
ستاد مشترک ارتش خویس
اعلام کرد: «ما پیما های آمر
یکای دربی شقیب نگاری
های ارتش مجبورید فرارند
ند» دروغی که حتی خودکسان
حرات نکردند در سویی های
بعدی خبری آن را بخت کنند.
اما مبارزه خدا میرسان.

مورد سوال قرار میدهد.
ارتش جمهوری اسلامی
کدیقول محمد، رهبران سیاسی
و مذهبی رژیم، از سرور دست
حالا دیگر اسلامی و مردمی
ند و در خدمت امت اسلامی
است. در این میان چیزی
مردمی: «خوش را جویس
نشان داد، خدا میرسان لست
بودن! ارتش اسلام
آفند و سرور در آمد و اس
خط با دد حالت شامی
ارتش و باران تمام
جارج ارتش، آفند و سر
عدا است که حتی بجای ارمیا
ب خاکم را که خود آت بودند
سرور و ارتش ریخت بد جراس
افکنده است. روزنا

کوسیدن خلق استعدادهای
کوی خدا انقلاب هرگز کا پس
مبارزات خلق را فرا موز
نمکند.
بازی، فرمانده سبروی
خوای «اسلامی» که بدنیاد
دهها افشاگری، ارتش جلان
سرور در رژیم، تا و مری
طیای «سرمه مطبوع»
نوده است. در حالیکه دست
های خود را کم کرده است در حالت
تاری را در داخل، در همکا
ری با اس طرح میدید و اما
با کد می کند که اس تمام
داخل ارتش هستند و او سر
چون دیگر همالکی هایش
با و حاجت هر چند ما سرور
سروهای انقلابی را منجم

دلیران و سحران انقلابی
و کمونیست است داده و خود را
خدا میرسان و سبروهای
انقلابی را تا ملود
نابدها میرسان، آسیا را
طوکری ارتش بودی جویس
هر خس و حاجا کس، هر
اسرا و سیمی دست میرسان
و جویس آکا هند کد و ن
کوب سروهای انقلابی
و کمونیست، کدست حسینه
سرو می خنک کرد حساب
مآند، تا در سید
سرکوب خلق نیرمان کس
میرساند.
حیات خاکم، کد در حرجال
در کبریا دهانی با امیران
لیم آمریکا، جویس

سرت ما آید و دهها میگوید
کد «سور» را مالید! «ا
اشکارا با انقلابی بوده
دو و چندا پیش ارتش
انضادی و دخالت نظامی
و جت دارد.
محمد، بیامای حاجای
حیات خاکم را اس اردا لست
نظامی آمریکا مطالبه کند
هر کوس برای کم کردن و جت
امیرالست، جوت کس
سروهای انقلابی و سیمی
در کوب آسیا و در سید حواج
سیران امیرالست آمریکا
دادن، جود دیگری بخم
سبحور.

بمباران هلی کوپتر حامل اسناد

یا

مبارزه ضد امپریالیستی ارتش اسلامی

لیسی این حیات خاکم را با
یانی نیست! از برای از آن،
سروی خوای جمهوری اسلامی
ایران، در حالیکه از سیم
ران شیرهای سرور سیدج و
مربوان با ز می گشت و رالت
نا بودی شیرها و کس
زحمتگاران را بد انجام رسانند
بود، درنت، عملیات تکمیلی به
نا بودی هلی کوپترها بسی
پرداخت کد اسطرح حمله
آمریکا را در خود جا داده بود
ند و با این عمل، برای همه
این اسناد را بد کور سرور
با بی سرب در یک در کسری
نظامی! امیرالست
آمریکا بمقابله در خاست!
دلایل مخردای کدیسی
مرد در سیمانی از بمباران
هلی کوپتر مآورد، آفند
مخرد است که حتی روزا
نسخ آزادگان لست
کوی حاجی ارتش خاکم
سیران را بد سخر سکرد.

جمهوری اسلامی وضع آزاد
کان و کیمان، کد حاجای
از حیات خاکم را اساندگی
میکنند، صفا در اسد حالت
ارتش در این سالدها
داده اند. اما خدا انقلاب
جی در این هتارنر، خلق
را از قلم بیند! حد و سیمی
میکنند این حادثه را بد کور
و جریان های انقلابی و
کمونیست، اس دشمن سر
سخت امیرالست، سیم
دهد، هر چند که اسد سیمی
برای سوری نلل سیماران
هلی کوپترها و کسکی و افند
ارطوب سورای انقلاب
منظم کسل مسود، اسادر
همان فص، حد و سیم
و حد و سیم، سیمی بد در هم
ریخت و حرات کردن جیسره
سروهای انقلابی داس
وضوحا هتارانی و اسد
مسب اطلی اسان ما هت
خلق خودمان است، برای

میکنند! سیمی مدر در یک اعلام
مد، از مقامات مسئول
سرخا ادمما حیدت کنند
موجب دلرودی فراهم
اا رهنی مدره ما حدها
سی اس کد ارتش را منجم
دخالت در این واقع می کند!
رژیم جمهوری اسلامی
از هر شکست برای خویس، حما
سای از فرمانی ها و سبرو
زی ها میازد، این بار سیر
این سکت مفتحا ند و حقات
آمیز خوس را سبروی بزرگی
حجاب آورده، بیام های
تبرک فرسا ده سیمی
از آن منع خویس و در جیت
سرکوب خلق نیرمان ایران
و در در جد اول خلق کس
اسفا د کرده و جیره سروهای
کمونیست و انقلابی را طوت
کند.
ریم بی برما بد دالست
نظامی امیرالست را اسد
مبارزات خلق کرد و میا و س

درک می کند که دشمنان
بپا ند، این نهادها
رحمتگان و طید کا رکس
و سبروهای انقلابی و کمونیست
سست را که موجودیت را دار
بد بخطر می اندازند و فرا موز
کند، آسیا، از بعضی سروهای
دموکرات، درک طبقاتی
روشنتری دارند!
حیات خاکم، علیرغم
حناج جندیهای آن، علیرغم
اختلافات بین این حیا
نه منافا ند بعضی اسبروهای
دمکرات ما سد «سازمان
مجا حدین خلق «تدآ ردل خوس
کرده اند، دشمن واقعی خوس
را جویس میسند، کد رکران
و زحمتگان! آسیا سیمی
مبارزات خدا میران بسی
نوده ها را منحرف کرده و اسکا
را با انقلابی نوده ها را در طغه
خدا راند، بی سیم
کدیسی در بد سیمان سمارد
خدا امیرالست، با حسم

حمله و حیا بد کد سنان، بد
حاک و چون کمدن حواسان
سارزدا سجو، موج حقیان
و احتیاجی که همه شیرها را
بر میگرد، بدنه میسود
منا ساند ما نا بد کد سیمی
مجا حدین خلق در مقام
حاجی ارتش خاکم
انقلابی سیم کد آریس
سند، سیمون آن در اختیار
کداس سروهای مسلح
سازمان بد فرما ندی سینه
با سدران است، آا همت
سار دیا سدران کد سیم
نیل جوانان دانتور اب
کلود سب و در کد سنان و دیگر
سیرهای ایران دست بد جنا
ب میرسد، ساکیان
امیرالست سدا س
موضوع خودا احتیاج بد جت
دیگری دارد
در حال حاضر، سیاسی را
کد حکومت برای مال است
خمد در طغه ۱۱

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!